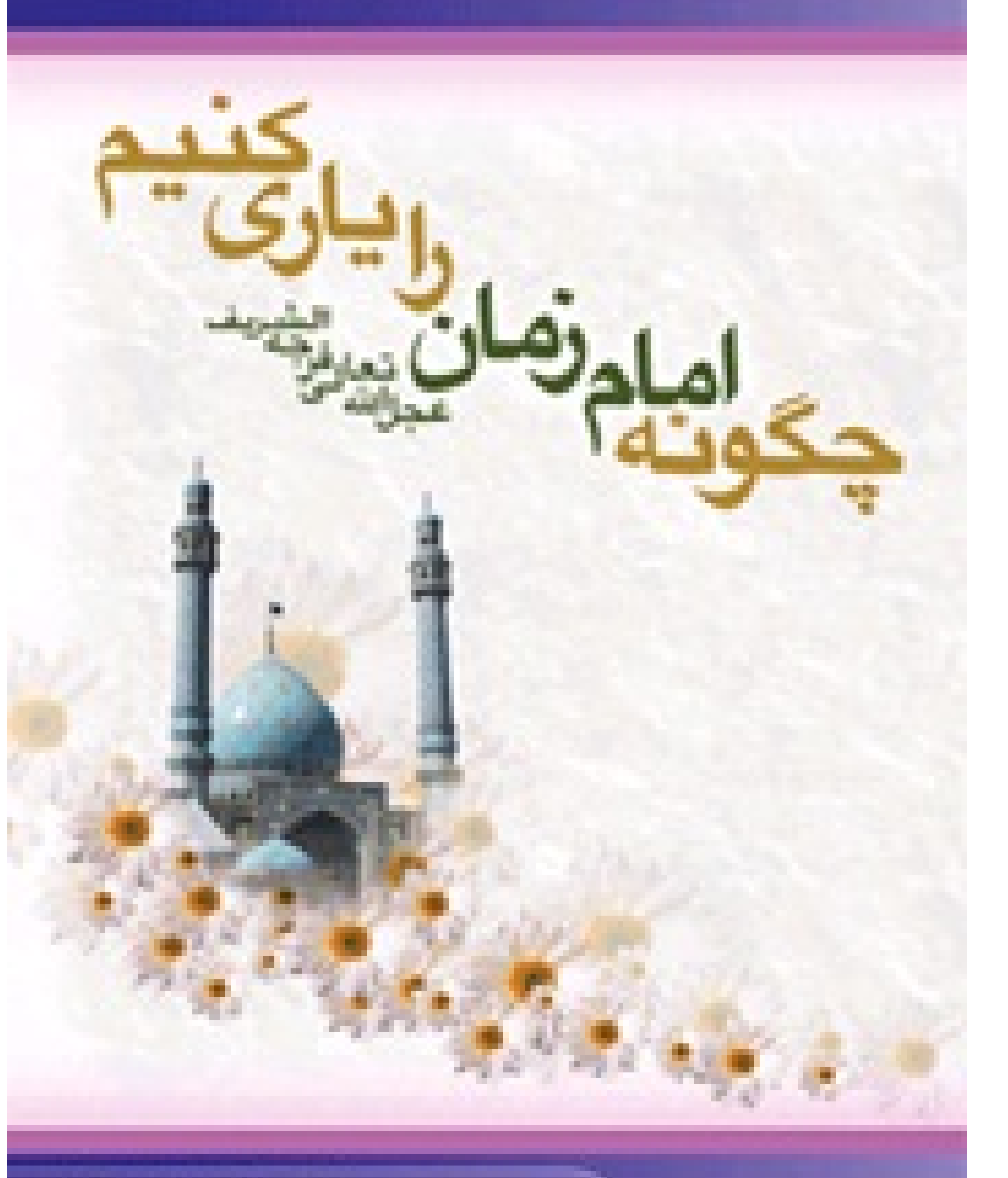

چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنیم
سید مهدی حائری (قزوینی)


بسم الله الرحمن الرحیم

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم ؟

نویسنده:

سید مهدی حائری واصلی قزوینی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : حائری قزوینی مهدی ۱۳۳۴ - عنوان و نام پدیدآور : چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟ / مولف مهدی حائری قزوینی(واصلی). مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۹۸ص. شابک : ۴۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۹۷۳-۰۵۱-۶ ؛ ۱۰۰۰۰ ریال چاپ سوم : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۵۱-۶ وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۷. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- یاری موضوع : مهدویت شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۲۲۴ /ح۲۵چ۸ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۴۹۰۴

تقدیم

به پیشگاه با عظمت اوّل مظلوم تاریخ، مولای متّقیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و تمامی مظلومان جهان که چشم به راه اند تا امام قائم عجّل اللّه فرجه به پا خیزد و بنیاد ظلم و ستم را براندازد و پرچم عدل و داد را در سراسر گیتی برافرازد این اثر ناچیز را تقدیم می دارم.

اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوانِهِ وَالذّابینَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعینَ اِلَیهِ فی قَضَاءِ حَوائِجِهِ وَالمُمْتَثلینَ لِأوامِرِهِ وَالمُحامینَ عَنهُ وَ السّابِقینَ اِلی اِرادَتِهِ وَالمُسْتَشهَدینَ بَینَ یَدیهِ «خداوندا! مرا از یاران و یاوران و مدافعان و شتابندگان به سوی آن حضرت در برآوردن نیازهایش و از پشتیبانان او و پیشروان به اجرای خواسته اش و از شهید شدگان در پیشگاهش قرار ده».

(فرازی از دعای عهد)

فضیلت دعای عهد

نظر به این که مباحث این اثر در شرح و توضیح یکی از جملات دعای عهد تألیف گردیده است، ابتدا به بیان فضیلت و اهمّیت این دعای شریف می پردازم:

دعای عهد از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده و آن جناب فرمودند: هرکس چهل بامداد این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خداوند متعال او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن حضرت جهاد نماید و به شماره هر کلمه از این دعا پاداش هزار کار پسندیده برایش نوشته می شود و هزار کار ناپسند از پرونده او محو می گردد.(۱)

این دعای شریف مشتمل بر درود مخصوص از سوی خواننده این دعا و نیز از طرف تمامی مردان و زنان مؤمن ساکن در مشرق و مغرب خشکی های زمین و دریاست، به خصوص از جانب پدر و مادر و فرزندان او،

به پیشگاه قطب عالم امکان حضرت مهدی «عجّل اللّه فرجه» است، سپس تجدید عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت، و پایداری بر این ایمان تا روز قیامت باقی و برقرار است.

دعا کننده از خداوند درخواست می کند که اگر مرگ من فرا رسد در حالی که امام زمان علیه السلام ظهور نکرده باشند، پس بعد از ظهور او مرا از قبرم برآور و سعادت یاری آن حضرت را نصیب من کن. آن گاه درخواست دیدار با عبارت ظریفی بیان شده است.(۲)

سخن مؤلف

بسم اللّه الرحمن الرحیم «الحمد للّه رب العالمین و الصّلاه و السلام علی نبیّنا خاتم الانبیاء و المرسلین محمد و آله المنتجبین، سیّما مولانا صاحب العصر و الزّمان عجّل اللّه تعالی فرجه و جعلنا من أنصاره و أعوانه و اللّعنه الدّائمه علی اعدائهم أجمعین الی یوم الدّین».

نوشتاری که پیش روی شماست، شرح و توضیح جمله ای از دعای شریف عهد و بیان قسمتی از وظایف مؤمنان نسبت به حضرت ولیّ عصر «عجّل اللّه فرجه» است.

متأسّفانه این زاویه مهم از مباحث مربوط به حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در طول تاریخ طولانی غیبت مورد اهتمام و توجّه پژوهشگران واقع نشده و آن طور که شایسته است به آن نپرداخته اند، و تا آنجا که من اطّلاع دارم فقط یک کتاب به نام «شیوه های یاری قائم آل محمد «عجّل اللّه فرجه»»، تألیف مرحوم آیه اللّه میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی» در این باره انتشار یافته است.

و این یکی از جهات مظلومیّت امام زمان علیه السلام است که شیعیان و دوستانش پس از قرن ها آوارگی و گرفتاری و رنج و فشار، هنوز هم برای قیام جهانی آن یگانه منجی عالم

بشریّت، آن آمادگی همگانی و پذیرش کامل فکری و عملی و تشنگی و اشتیاق را نیافته اند و در جهت اجرایی شدن عدل و داد همه جانبه و فراگیر، همدلی و هم سویی لازم را ندارند و غالباً از مسؤولیت های خودشان در برپایی آن نظام روح بخش بی خبرند!

بسا افرادی که به نماز و روزه و عبادت و آیین های دینی پایبند هستند، امّا آینده بشریّت و اوضاع مردم جهان برای آنان هیچ اهمّیتی ندارد و گویا غیبت طولانی امام زمان «عجّل اللّه فرجه» را خواست و اراده بی چون و چرای خداوند می دانند و برای همه چیز دعا می کنند جز تعجیل فرج و ظهور امام عصر ارواحنا فداه!

بعضی از مردم حتّی حاضر نیستند نزدیک ترین کسان خود را به آیین های دینی فرا خوانند و یا از گناه و معصیت بازدارند و هشدار دهند و فقط به فکر آنند که گلیم خویش را از آب بیرون برند!

و بسیارند کسانی که به گمان خود با قرآن اُنس دارند و با تمام وجود به آن دل بسته اند امّا هنگام ظهور امام عصر «عجّل اللّه فرجه» با حربه قرآن با آن حضرت مخالفت خواهند کرد و آیات قرآن را بر ضدّ آن حضرت تفسیر و تأویل خواهند نمود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه حضرت قائم علیه السلام بپاخیزد از مردمان جاهل بیش از آنچه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم از جاهلان جاهلیّت صدمه دید، صدمه و محنت می بیند.

راوی پرسید: این چگونه است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حالی به سوی مردم آمد که سنگ ها و کلوخ ها و چوب های تراشیده را می پرستیدند ولی هنگامی که قائم ماعلیه السلام بپاخیزد با مردمانی

مواجه خواهد شد که همه آنان کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و با آن بر او احتجاج می نمایند.(۳)

ممکن است افرادی از حرکت اصلاحی همه جانبه امام عصر«عجل الله فرجه» و برنامه های جامع و شیوه های دقیق حکومت آن حضرت در عرصه های علم و عمل و قلمرو اعتقاد و فرهنگ و اقتصاد و ... بی خبر باشند و رفتار و سلوک آنان برخلاف سیره امام علیه السلام بوده باشد امّا دوستی آن حضرت را ادّعا کنند و حوائج و خواسته های خود را از آن جناب تقاضا نمایند ولی هیچ گونه وظیفه و مسؤولیتی نسبت به امام علیه السلام احساس نکنند. و کسانی را می بینیم که نام مقدّس امام عصر «عجّل اللّه فرجه» را بر زبان دارند ولی در جهت منافع و غرض های دنیوی خود آن را به کار می برند و مایل نیستند دوران غیبت به سرآید و حکومت عدل و داد برقرار شود، چرا که خوب می دانند در آن روزگار فرخنده مورد بازخواست واقع می شوند و به کیفر اعمال خود می رسند.

حتّی اخیراً دیده می شود که افرادی برای تولّد آن حضرت جشن می گیرند امّا در همان جشن ها برنامه هایی را انجام می دهند که با شرع مقدّس مغایرت دارد و هدف از خوشحالی در ولادت مصلح جهان را نمی دانند!

زنانی که دستور مهمّ حجاب را زیر پا می گذارند و پوشش دینی را رعایت نمی کنند، با این حال خود را منتظر امام زمان«عجّل اللّه فرجه» می شمارند!

همه این ها و مسائل و دردهای فراوان دیگر... از نشانه های مظلومیّت امام زمان علیه السلام می باشد که شاید بتوان گفت: آن حضرت از دوستان نادان خود بیش از دشمنان دانا در رنج است.

نوشتار حاضر گامی کوتاه و تلاشی اندک در

جهت تبیین برخی از وظایف و مسؤولیت های مؤمنان نسبت به ساحت مقدّس مولایمان حضرت مهدی «عجّل اللّه فرجه» است.

مباحث کلّی و اساسی این اثر طی چند سخنرانی در اهواز و اصفهان و قزوین در اوقات مختلف عرضه شده است. سپس به صورت کنونی برای نشر ترتیب یافته است.

خداوند را بی نهایت سپاسگزارم که مرا بر انجام این خدمت ناچیز موفّق ساخت و از درگاه او عاجزانه مسألت دارم که آن را به کرم خویش قبول فرماید و بیش از پیش مورد عنایت مولایم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه قرار دهد.

شهر مقدّس قم سید مهدی حائری قزوینی رجب الاصب/۱۴۲۷ه.ق (واصلی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم «یَا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا أَنْصارَ اللَّهِ کَما قالَ عیسَی بْنُ مَریَمَ لِلْحَواریّینَ مَنْ أَنْصاری إِلی اللَّهِ قالَ الْحَوارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ فامَنَتْ طَآئِفَةٌ مِنْ بَنی اسرآئیلَ وَکَفَرَتْ طَآئِفَةٌ فَأَیَّدْنَا الَّذینَ آمَنُوا عَلی عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهرینَ».(۴)

خداوند بی نیاز

خداوند در این آیه شریفه به تمام مؤمنین، در همه زمان ها فرمان می دهد که «کُونُوا أنصارَ اللَّهِ»؛ یعنی این صفت در شما ثبات و دوام داشته باشد که یاری گر خداوند باشید؛ یعنی این صفت ملکه شما باشد نه این که در روز یا ساعتی مثلاً هرگاه مایل بودید، یاری کننده خدا باشید.

این سؤال پیش می آید که خداوند در آیاتی از قرآن کریم می فرماید: خداوند بی نیاز از آفریدگان است بلکه مخلوقین نیازمند او هستند. از جمله این که می فرماید: «یَا أَیُّهَا النّاسُ أَنتُمُ الفُقَرآءُ إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الغَنِی الحَمیدُ * إِن یَشَآء یُذهِبکُم وَیَأتِ بِخَلقٍ جَدیدٍ وَمَا ذلِکَ عَلَی اللَّهِ بِعَزیزٍ»؛(۵) «ای مردم شما نیازمند به خداوند هستید و فقط خداوند است که بی نیاز و ستوده است. اگر

بخواهد شما را از بین می برد و آفریدگان تازه ای بوجود می آورد و این کار بر خداوند سخت و گران نیست».

و درآیه دیگرفرماید:«وَمَاالنَّصرُ إلاّ مِن عِندِاللّه»؛(۶) «یاری (و پیروزی) جز از خداوند نیست».

علاوه بر آیات قرآن، به دلایل عقلی نیز ثابت است که خداوند از مخلوق بی نیاز است و یکی از صفات خداوند غنی است.

با وجود این آیات و دلایل عقلی و نقلی خود خداوند می فرماید: «إنْ تَنصُرُوا اللّهَ یَنصُرکُم»؛(۷) «چنانچه خدای را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد نمود» و یا در آیه دیگر می فرماید: «مَن ذَا الَّذی یُقرِضُ اللّهَ قَرضاً حَسَناً»؛(۸) «کیست که به خداوند قرضِ نیکویی دهد؟».

این سؤال را امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ می دهد. آن حضرت علیه السلام با استشهاد به دو آیه فوق می فرماید: «فَلَم یَستَنصِرکُم مِن ذُلٍّ وَلَم یَستَقرِضکُم مِن قَلٍّ. استَنصَرَکُم وَلَه جُنُودُ السَّمواتِ وَالاَرضِ وَهُوَ العَزیزُ الحَکیم وَاستَقرَضَکُم وَلَه خَزآئِنُ السَّمواتِ وَالأَرضِ وَهُوَ الغَنِی الحَمیدُ وَإِنّما أَرادَ أَنْ یَبْلُوکُمْ أَیُّکُم أَحسَنَ عَمَلاً»؛(۹) «پس او از جهت خواری از شما یاری نخواسته، و به خاطر کمبود و نیازمندی از شما درخواست وام ننموده است، او در حالی از شما یاری طلبیده که سپاهیان آسمان ها و زمین از آن اوست و (بر همگان) غالب و (بر هر تدبیری) داناست و در حالی از شما وام خواسته که گنجینه های آسمان و زمین را داراست و بی نیاز و ستوده است و جز این نیست که خواسته تا شما را بیازماید که کدام یک عملش نیکوتر است».

ما هر چه داریم از خداست. نفس می کشیم از خداست. اگر مال و ثروت و زن و فرزندی داریم همه از خداست، ما که چیزی از خود

نـداریم. مـا خودمـان می گوییم: «أسْتَغْفِرُ اللّهَ الّذِی لا الهَ إلّا هُوَ الحَیُّ الْقَیُّومُ ذُوالْجَلالِ وَالإکْرام وَأسْأَلُهُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوبَه عَبدٍ خاضِعٍ فَقیرٍ بائِسٍ مِسکینٍ مُستکینٍ مُستَجیرٍ لایَملِکُ لِنَفسِه نَفعاً وَلاضَرّاً وَلا مَوتاً وَلا حَیوه ولانُشُوراً»؛(۱۰) یعنی نفع رساندن به خود در دست انسان نیست بلکه ولاضَراً ضرر زدن نیز به دست انسان نیست ولامَوتاً مرگ نیز به دست انسان نیست.

لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «خداوند به سبب نداری و بیچارگی از شما قرض نمی خواهد بلکه به سبب آزمون و امتحان شماست».

«وَإنّما أَرادَ أَنْ یَبْلُوکُمْ أَیُّکُم أَحسَنُ عَمَلاً».

شکوفایی استعدادها

علّت دیگر این که: آن استعدادهایی که در نهاد افراد نهفته است به فعلیّت درآید تا بعد اعتراضی نباشد. مانند این که معلّم شاگردانش را امتحان می کند. البته معلّمِ نمونه و استاد ماهر، کسی است که امتحان نگرفته می داند هر شاگردی لایق چه نمره ای است.

چنین معلّمی کارکشته و فهمیده است که امتحان نگرفته می داند که کدام شاگردش درس را فهمیده و کدام شاگرد درس را نفهمیده است ولی با این حال، باز هم ناگزیر از امتحان است. چرا؟

چون اگر چنین معلّمی به شاگردان طبق نظر خود نمره دهد مورد اعتراض آن ها قرار می گیرد. چون چه بسا خود دانش آموز باورش نمی شود که مقداری از درس را متوجه نبوده و نمی دانسته. لذا دیده می شود که هنگام امتحان با سؤالاتی مواجه می شود که با خود می گوید من همه درس را می دانستم مگر این مورد را.

و همچنین اگر معلّم بدون امتحان نمره دهد ممکن است نسبت به دیگران مورد اعتراض قرار گیرد. مثلاً بگویند چرا به فلان شخص نمره خوب دادی در حالی که درس نمی خواند و شاگرد تنبلی بود.

بنابراین امتحان برای به فعلیّت

رساندن استعدادهاست تا حجّت بر همه تمام شود و جایی برای شبهه و ابهام برای خود شخص و برای دیگران باقی نماند.

امتحان های خداونـد هم این چنین است. اگر بنا باشد که خداوند بدون آزمون، عدّه ای را به بهشت ببرد و عدّه ای را به جهنّم ببرد در بین مردم شبهاتی پیش می آید که چرا خداوند فلانی را به بهشت برد و چرا ...؟!

«أمْ حَسِبْتُمْ أنْ تَدْخُلُوا الجَنَّه وَلَمّا یَأتِکُمْ مَثَلُ الَّذینَ مِنْ قَبلِکُمْ مَسَّتهُمُ البَأساَءُ وَالضَّرّآءُ وَزُلزِلُوا حَتّی یَقُولَ الرَّسولُ وَالَّذینَ مَعَهُ مَتی نَصرُاللَّه أَلا إِنَّ نَصرَاللَّهَ قَریبٌ»؛(۱۱) «آیـا شـما گمان می کنیـد که (بـدون رنـج) وارد بهشت می شویـد و آن حالاتی که برای پیشینیان شما بوده برای شما پیش نمی آید؟ سختی ها و صدمه ها به آن ها رسید و تکان ها خوردند، تا این که پیامبر و کسانی که همراهش بوده انـد (از خداونـد یاری خواسـتند و از روی ناراحتی) چنین گفتند: پس یاری خداوند کی خواهد آمد؟ توجه کنید که یاری خداوند نزدیک است».

وگرنه خداوند متعال که احتیاج ندارد. لذا خداوند قدرت نمایی هایی در طول تاریخ داشته است تا این مطلب ثابت شود.

در قضـیه طوفـان نوح علیه السـلام دست بشـر چه کـاره بود؟ حتی یـاران نوح علیه السـلام و کسـانی که به حضـرت نوح ایمان آورده بودنـد، در مقابل این همه کفار و مشـرکین کاری از دسـتشان ساخته نبود. فرزنـد نوح گفت: «سَآوی اِلی جَبَلٍ یَعصِمُنی مِنَ المآءِ قالَ لا عَاصِمَ الیَومَ مِنْ أَمرِ اللَّه إِلّا مَنْ رَحِمَ»؛(۱۲) «به زودی به کوهی پناه می برم که مرا از(غرق شـدن در) آب حفظ کند. پدرش گفت: امروز هیچ نگهدارنده ای در برابر فرمان خداوند نیست مگر آن کس را که او رحم فرموده (و حفظ

نموده) است».

یعنی بر فرض اگر مشرکین کشتی ای بهتر از کشتی نوح می ساختند باز غرق می شدند. اگر فرضاً پسر نوح پرنده می شد و به آسمان می رفت باز طوفان او را در خود فرو می برد.

یا در قضیه حضرت هودعلیه السلام خداوند می فرماید: «سَخَّرَهَا عَلَیهِمْ سَبعَ لَیالٍ وَثَمانِیَه أیّام حُسُوماً فَتَرَی القَومَ فیهَا صَرعَی کَأَنَّهُمْ أَعجَازُ نَخلٍ خاوِیَه * فَهَلْ تَرَی لَهُم مِن باقِیَه»؛(۱۳) «خداوند هفت شب و هشت روز باد صرصر تند ویرانگر را بر قوم عاد فرستاد. آن ها مانند تنه های پوسیده درخت خرما بر زمین افتاده بودند* آیا بقایایی از آن ها می بینی؟!»

و یا قوم لوط و سایر اقوامی که مورد عذاب الهی قرار گرفتند، پس اگر مشیّت خداوند بر چیزی تعلّق بگیرد، می تواند تمام مخالفین را از بین ببرد همان طور که خداوند در آیاتی، به این امر اشاره بلکه تصریح می نماید. پس اگر می فرماید: خدا را یاری کنید از یک جهت به خاطر امتحان است جهت و دیگر به سبب به فعلیّت رسیدن استعدادهاست.

و اگر می فرماید امام زمان «عجّل اللّه فرجه» را یاری کنید، نه به این معناست که خداوند احتیاج به یاری شما دارد و نه این که حتّی امام زمان «عجّل اللّه فرجه» نیاز به یاری شما دارد، بلکه خود امام زمان می فرماید که نیاز به یاری ما ندارد. و اگر ما را به یاری دعوت می کند از روی احتیاج نیست. اگر امام به مأموم خود نیاز داشته باشد امام نیست. امام کسی است که هیچ نیازی به غیر خودش نداشته باشد. بله برای امتحان دیگران وظیفه دارند تا امام زمان «عجّل اللّه فرجه» را یاری نمایند. اگر امام بخواهد می تواند یک تنه مخالفین

را از بین ببرد.

روایت در این مورد بسیار است ولی روایتی از خود صاحب الزمان «عجّل اللّه فرجه» در توقیع شریفشان ذکر می کنیم.

در زمان غیبت صغرای امام زمان «عجّل اللّه فرجه» بین ابن ابی غانم قزوینی و جماعت شیعه درباره امام زمان «عجّل اللّه فرجه» اختلاف پیدا شد. ابن ابی غانم مخالف بود و می گفت: امام حسن عسکری علیه السلام اولادی نداشت... .

این مطلب را توسط نوّاب خاص به امام زمان «عجّل اللّه فرجه» نوشتند. امام علیه السلام در جواب مرقوم فرمودند: «عَافَانَا اللّٰه وایّاکُم مِن الفِتَنِ وَوَهَبَ لَنا وَلَکُم رُوحَ الیَقینِ وَاَجارَنا وَایّاکُم مِن سُوءِ المُنقَلَبِ إنَّه اُنهِیَ اِلَیَّ ارتِیابُ جَماعَه مِنکُم فِی الدِّینِ وَما دَخَلَهُم مِنَ الشَّکِ وَالحَیرَه فِی وُلاه امرِه فَغَمَّنا ذلِکَ لَکُم لا لَنا وَسَأَوْنا فیکُم لافِینا لاَنَّ اللّه مَعنا فَلافاقَه بِنا إلی غَیره وَالحَقُّ مَعَنا فَلَن یُوحِشَنا مَن قَعَدَ عَنّا وَنَحنُ صَنایعُ ربّنا وَالخَلقُ بَعدُ صَنایعُنا»؛(۱۴) «خداوند ما و شما را از فتنه ها برکنار دارد، به ما و شما روح یقین عنایت فرماید. ما و شما را از بدی عاقبت در پناه خودش حفظ کند. به من خبر رسیده که جماعتی از شما در امر دین به تردید افتاده و شک و سرگردانی در مورد ولی امرشان پیش آمده است. این امر ما را اندوهگین ساخت به خاطر شما نه به خاطر ما و از جهت شما ناراحت شدیم نه برای خودمان چون خدا با ماست و با وجود او ما نیازی به غیر او نداریم. حق با ماست لذا هرگز یاری نکردن دیگران، ما را به وحشت نمی اندازد و ما ساخته شده پروردگارمان هستیم و آفریدگان، ساخته شده (به

خاطر) مایند».

پس امام به من و شما نیازی ندارد همان طور که انبیای گذشته نیازی به مردم نداشتند و خداوند نصرت و یاری خود را به پیامبرانش در زمان های مختلف نشان داد. دشمنان دین، ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند ولی خداوند فرمود: «یا نارُ کُونِی بَرداً وَسَلاماً عَلی اِبراهیم»(۱۵) پس احتیاج به غیر خدا ندارد لذا جبرئیل آمد و گفت: کاری داری؟ فرمود: أَمّا اِلیکَ فَلا؛ (۱۶) «به تو که جبرئیل هستی احتیاج ندارم». این همان حالت امام حسین علیه السلام است. «یَا وَارثَ ابراهیم خَلیلِ اللَّهِ»، ابراهیم خلیل اللّه وارثش حسین علیه السلام است. یکی از جاهای وارث بودن او آن وقتی است که در گودال افتاده است.

راوی می گوید: «فَوَاللَّه مَا رَایتُ قَطُّ قَتیلاً مُضَمَّخاً بِدَمِهِ أَحسَنَ مِنهُ وَلا اَنوَرَ وَجهاً؛(۱۷) به خدا قسم هرگز کشته ای به خون آغشته ندیدم که از او زیباتر و نورانی تر باشد». چهره امام حسین علیه السلام خندان و متبسم بود. چهره مبارک حضرت درهم نبود و حالت غصه و غم نداشت و اگر گاهی حضرت علیه السلام مصیبت را اظهار می کرد از روی مصالحی بود.

پاسخ امام علیه السلام به فرشتگان و جنّیان

امام حسین علیه السلام تمام توجّه و تکیه گاهش به خداست. اگر می خواست با آن تصرف ولایی، می توانست همه دشمنانش را نابود کند. ملائکه هنگام حرکت امام از مدینه یا مکّه نزد او آمدند در حالی که اسلحه در دست داشتند و بر شتران بهشتی سوار بودند.

سلام کردند و گفتند: ای حجّت خدا بر مردم!، خداوند بارها جدّ تو را به وسیله ما یاری کرد و اینک ما را به مدد تو فرستاده است.

حضرت فرمود: وعده من و شما گودال قتلگاه و بقعه ای که در آن شهید می شوم و آن

کربلاست. هرگاه به آنجا رسیدم نزد من آیید... . و نیز دسته هایی از جنّیان مسلمان نزد آن حضرت آمدند و عرضه داشتند: ای سرور ما! ما شیعیان تو هستیم، اگر به ما فرمان دهی که تمامی دشمنانت را نابود سازیم همین جا که ایستاده ای تو را آسوده نماییم.

امام حسین علیه السلام برای آنان دعا کرد و ضمن سخنانی فرمود: «إذا اقمت بمکانی فبماذا یبتلی هذا الخلق المتعوس؟ و بماذا یختبرون؟ و من ذا یکون ساکن حفرتی بکربلاء؟؛(۱۸) اگر من سر جای خویش بایستم، پس این مردم نگون بخت از چه طریق امتحان شوند و با چه وسیله آزمون گردند و چه کسی به جای من در گودال قتلگاهم قرار خواهد گرفت؟»

بقعه من کعبه اهل دل است هر گروه شیعیان را معقل است گر بمانم من بجای خویشتن پس که مدفون گردد اندر قبر من تا پناه خیل زوّاران شود

شافع جُرم گنهکاران شود

امتحان مردم برگشته خو

کی شود گر من گریزم از عدو

موعد من با شما در کربلاست روز عاشورا که روز ابتلاست(۱۹)

معنای نصرت

اشاره

اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصَارِهِ وَأعوانه...

خداوندا مرا از یاران او (قرار ده)

نصرت در لغت به معنای یاری کردن در مقابل دشمن است. و به کسی که انسان را در مقابل دشمنان یاری نماید ناصر می گویند.

امّا اگر بدون در نظر گرفتن دشمن و به طور کلّی شخص دیگری را یاری کند - خواه در جنگ یا غیر جنگ - به چنین کسی عَوْن می گویند که جمع آن اعوان است. پس عنوان عون، نسبت به ناصر عنوان عامّی است.

امام حسین علیه السلام با جمله: «هل من ناصر ینصرنا؛(۲۰) آیا کسی هست که ما را (در مقابل دشمن) یاری دهد؟»

به طور عموم

ناصـر می طلبـد. عـدّه ای را نیز به طور خاص به یاری خویش فرا خوانـد که چند تن از آنان به یاری آن حضـرت شـتافتند و به فیض شـهادت نایـل شدنـد و برخی – همچـون عبیـداللَّه بن حرّ جعفی – خـود را از سـعادت محروم ساختنـد و امـام را همراهی نکردند.

عبیداللَّه بن حرّ جعفی ها زیادند. امام حسین علیه السلام الآن هم استغاثه اش بلند است. ما هم باید در راه او فداکاری کنیم.

دشـمنان امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» دشـمنان امام حسـین، دشـمنان پیغمبر و نیز دشـمنان اسـلام و دشـمنان قرآن هم هستند. در مقابل این ها هرکاری که ممکن باشد و وظیفه باشد نباید کوتاهی نمود. و باید امام حسـین علیه السـلام و امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» را یاری نماییم.

شخص مؤمن و مسلمان باید آرزوی قلبی او این باشد که در شمار انصار و یاران امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» باشد و در این راه تلاش و کوشش نماید. البته در هر زمان به مقتضای آن زمان و شرایط نصرت و یاری فرق می کند.

قبل از این که بدانیم که چگونه باید امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» را یاری کنیم و وظیفه ما نسبت به آن حضـرت چیست و نحوه یاری آن حضرت چگونه است لازم است به دو نکته اشاره شود.

نکته اوّل: فرق انصار با اصحاب

فرق بین انصار و اصحاب چیست؟

اصـحاب جمع صاحب است. صاحب کسـی است که با دیگری معاشـرت داشـته و همراه و هم نشین او باشد. بدون معاشرت و هم صحبت شدن، صاحب و صحابی معنی ندارد.

در خصوص صحابه پیامبرصلی الله علیه وآله که صحابی به چه کسی گفته می شود.

تعابیر مختلفی است تعریف مشهور این است: صحابی کسی است که پیامبرصلی الله علیه

وآله وسلم را در حال مسلمانی ملاقات کرده و با حال مسلمانی از دنیا رفته و در این بین ارتدادی برای او حاصل نشده باشد. بنابراین اگر کسی که در حال کفر، پیامبرصلی الله علیه وآله را ملاقات نموده باشد و یا این که پس از اسلام آوردن مرتد گشته و یا این که کسی مسلمان شده ولی پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم را مشاهده نکرده و با آن حضرت مصاحبت نداشته – مانند اویس قرنی که مسلمان بود و در زمان حضرت رسول بود و پیامبرصلی الله علیه وآله شأن و مقام او را ستودند، ولی پیامبر را ندید – این افراد جزء صحابه پیامبر به شمار نمی آیند.

امّا اصحاب ائمه علیهم السلام کسانی هستند که با ائمه مدّتی همراه بوده اند و از ایشان احکام و معارف اخذ نموده اند. خواه مدت دیدار کوتاه باشد یا طولانی... .

به چنین افرادی صحابی گفته می شود خواه امام را یاری کند یا امام را یاری ننماید لذا عده ای جزء اصحاب امام حسین علیه السلام بوده اند ولی جزء انصار نبوده اند. چون در کربلا به کمک امام علیه السلام نیامدند. حال به هر دلیل که نیامده باشد. ممکن است قبل از کربلاـ هم از دنیا رفته باشد و یا به دلیل دیگر به کربلاـ نیامد؛ مانند سلیمان بن صرد که از اصحاب پیامبرصلی الله علیه وآله بود و جزء کسانی بود که به امام علیه السلام نامه نوشت ولی هنگامی که حضرت آمد در رفتن به کربلا کوتاهی کرد و بعد پشیمان شد و قیام توابین را سرپرستی نمود.

پس عده ای از اصحاب امام بوده اند ولی جزء انصار نبودند. البته نسبت به امام زمان «عجّل اللّه فرجه» مسأله

فرق می کند. یعنی اصحاب امام زمان «عجّل اللّه فرجه» کسانی هستند که یاری کننده حضرت هم هستند و در احادیث، تعداد اصحاب خاص آن حضرت سیصد و سیزده نفر یاد شده و خصوصیّات آنان بیان گردیده است.(۲۱)

بنابراین اصحاب امام زمان «عجّل اللّه فرجه» نسبت به اصحاب سایر امامان این تفاوت را دارند. لذا در زیارت نامه امام حسین علیه السلام عنوان اصحاب را نمی بینیم. می گوییم: «السلام علیکم یا انصار دین اللّه، السلام علیکم یا انصار رسول اللّه، السلام علیکم یا انصار امیرالمؤمنین، السلام علیکم یا انصار... ».

نکته دوم: انصار امام زمان «عجّل اللّه تعالی فرجه»

انصار امام زمان «عجّل اللّه تعالی فرجه»

ما در طبقه بندی انصار امام زمان «عجّل اللّه فرجه» در چه طبقه ای هستیم؟

اوّل: نخستین ناصر امام زمان علیه السلام خود خداوند است

خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَا النَّصرُ إِلّا مِنْ عِندِاللَّه العَزیزِ الحَکیم»؛(۲۲) «یاری جز خداوند شکست ناپذیر حکیم نیست». و در آیه دیگر می فرماید: «وَمَا النَّصرُ إِلّا مِنْ عِندِاللَّه إِنَّ اللَّه عَزیزٌ حَکیمٌ»؛(۲۳) «پیروزی جز از خداوند نیست. همانا خداوند شکست ناپذیر و حکیم است».

پس نصرت اوّلیه و کمک اصلی از سوی خداوند است که بدون کمک او هیچ تلاشی به نتیجه نخواهد رسید. لذا یکی از القاب شریفه آن حضرت علیه السلام منصور است.

خداوند متعال می فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیّه سُلطَاناً فَلایُسرِفْ فِی الْقَتلِ إِنَّهُ کَانَ مَنصُوراً»؛(۲۴) «و هر آن که مظلوم کشته شود، البته ما برای ولیّ او تسلّط و حکومت قرار داده ایم. پس در کشتن اسراف نکند که او یاری شده است».

منصور در این آیه، امام زمان «عجّل اللّه فرجه» است.(۲۵) در دعای ندبه هم این لقب یاد شده: «أَینَ المَنصُورُ عَلی مَنْ أعْتَدَی عَلَیهِ وَافْتَرَی بنابراین ناصر او خداست و او منصور و یاری شده و پیروز است».

دوم: در درجه بعدی، انصار امام زمان علیه السلام ملائکه هستند

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که با حضرت قائم بیعت می کند جبرئیل است، او به صورت پرنده ای سفید رنگ فرود می آید و با آن حضرت بیعت می نماید. آن گاه یک پای بر بیت اللّه الحرام و پای دیگر بر بیت المقدّس می نهد. سپس با فصاحت و صدای رسایی که مردمان بشنوند فریاد می زند: «أَتَی أَمرُ اللَّه فَلا تَستَعْجِلُوهُ»؛(۲۶) «امر الهی آمد، پس در آن شتاب مکنید».

و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: سی هزار و سیصد و سیزده فرشته بر او (امام قائم «عجّل اللّه فرجه») فرود می آیند.

ابان بن تغلب پرسید: تمام این فرشتگان؟ فرمود: آری، فرشتگانی که با

نوح در کشتی بودنـد و فرشـتگانی که با ابراهیم بودند هنگامی که به آتش افکنده شد و آن هایی که با موسـی بودند هنگامی که دریا را برای بنی اسـرائیل شـکافت و آن هایی که با عیسـی بودنـد هنگامی که خداوند وی را به سوی خود بالا برد و چهار هزار فرشـته نشانـداری که با پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله بودند و هزار فرشـته ای که پی در پی فرود می آمدند و سـیصد و سیزده فرشـته ای که در بدر بودند و چهار هزار ملائکه که فرود آمدند تا به همراه حسین بن علی علیهما السلام با دشمنان نبرد کنند ولی به آن ها اجازه داده نشد، آن ها کنار قبر آن حضـرت پریشان و غبارآلود و گریان هسـتند تا روز قیامت، رئیس آنان فرشته ای است که منصور خوانده می شود، هیچ کس آن حضرت را زیارت نکند مگر این که این ها به استقبال او می روند و یا هنگام وداع، او را مشایعت می کننـد و هیچ بیماری نیست مگر این که به عیادتش می روند و هیچ کس از دنیا نرود مگر آن که بر بـدنش نماز می گزارنـد و پس از مرگ برای او طلب مغفرت می کننـد و همه این ها در زمین منتظر قیام قائم «عجّل اللَّه فرجه» هستند تا هنگام ظهورش فرا رسد.(۲۷)

سوم: جنّیانی که از مؤمنین هستند

چنـان که در حـدیث مفضّـل جعفی از امـام صادق علیه السـلام آمـده است: اوّلین کسـی که دست آن حضـرت (امام قائم علیه السـلام) را می بوسد جبرئیل علیه السـلام است، سـپس با آن حضـرت بیعت می کند و نیز سایر فرشتگان و نجبای جنّ، آن گاه نقیبان با وی بیعت خواهند نمود.

پس نخستین کسانی که دست آن جناب را می بوسند، فرشتگان، آن گاه جنّیان، آن گاه نقیبان هستند و می گویند: شنیدیم و

اطاعت می کنیم... .

فضّل پرسید: سرورم! آیا فرشتگان و جنّیان برای بشر آشکار خواهند شد؟

فرمود: آری، به خدا سوگند ای مفضّل! و با آنان سخن خواهند گفت همان گونه که شخص با نزدیکان وخانواده خود گفت و گو می کند.

مفضّل گفت: سرورم! آن ها (همه جا) همراه حضرت قائم علیه السلام حرکت می کنند؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آری، به خدا سوگند ای مفضّل! آنها در زمین هجرت، بین کوفه و نجف فرود می آیند (و منزل می گیرند) و شمار یارانش در آن هنگام چهل و شش هزار از فرشتگان و شش هزار از جنّیان خواهد بود.

و در روایت دیگر فرمود: و به همان تعداد چهل و شش هزار از جنّیان خواهد بود که خداوند به وسیله آنان حضرتش را پیروز می سازد و به دست های آن جناب فتح و ظفر پدید می آورد.(۲۸)

چهارم: رُعب و وحشت در دل دشمنان

خداوند متعال بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را با افکندن وحشت و هراس در دل دشمنانش یاری کرد و او را بر مشرکین و یهود پیروز ساخت که چهار مورد آن در قرآن کریم یاد شده است:

۱ - «سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ»؛(۲۹) «به زودی در دل های کسانی که کفر ورزیدند وحشت و هراس می افکنیم».

۲ - «سَأُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ»؛(۳۰) «به زودی در دل های کسانی که کفر ورزیدند وحشت و بیم افکنم».

۳ - «وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»؛(۳۱) «و در دل آنان (گروه مشرکین) وحشت افکند»

۴ - «وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»؛(۳۲) «و در دل ایشان وحشت افکند».

و در حدیثی از ابن عبّاس آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ضمن بیان ویژگی های خود فرمودند: «وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ فَهُوَ یَسیرُ أمَامِی مَسِیرَةَ شَهْرٍ»؛(۳۳) «و به وسیله رعب (و وحشت در

دل دشمنان) یاری شدم که به مسافت یک ماه پیشاپیش من روانه است».

راجع به حضرت ولیّ عصر «عجّل اللّٰه فرجه» نیز روایاتی آمده که خداوند آن حضرت را با ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنانش یاری خواهد کرد، از جمله:

ابوحمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه قائم آل محمّد: خروج نماید به طور حتم خداوند او را به وسیله فرشتگان مسوّمین و مردِفین و منزلین و کَروبین (فرشتگان مخصوص) یاری خواهد کرد، جبرائیل پیش روی، میکائیل از سمت راست و اسرافیل از سمت چپ او خواهند بود و رعب و وحشت تا مسافت یک ماه راه از پیش روی و پشت سر و از سمت راست و سمت چپ آن حضرت قرار خواهد داشت... .(۳۴)

گفتنی است که اوصاف سه گانه: مسوّمین و مردفین و منزلین در سه آیه یاد شده اند:

۱ – مسوّمین (فرشتگان نشاندار) در سوره آل عمران، آیه ۱۲۵.

۲ – مردفین (فرشتگانی که پیاپی و در صف های منظم برای یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرود آمدند) در سوره انفال، آیه ۹.

۳ – منزلین (فرشتگانی که برای کمک به مسلمانان در میدان جنگ نازل شدند) در سوره آل عمران، آیه ۱۲۴.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که وقتی امام عصر «عجّل اللّٰه فرجه» بپاخیزد و پرچم خود را بگشاید بیم و هراس از آن به مسافت و فاصله یک ماه از جلو و یک ماه از عقب و یک ماه از سمت راست و یک ماه از سمت چپ (دل دشمنان) را فرا می گیرد.(۳۵)

پنجم: خداوند امام زمان علیه السلام را با معجزات یاری می نماید

چنان که در حدیث شریفی آمده است: «یَنْصُرُهُ بِآیاتِهِ»(۳۶) امام زمان «عجّل اللّٰه فرجه»

هم ماننـد بقیه امامان و پیامبران معجزه دارد. معجزه یعنی کاری که دیگران از انجام آن عاجز باشـند. آن حضـرت علیه السـلام همان اوّل که ظاهر می شوند معجزاتی از خود نشان می دهند تا حجّت تمام شود.

از جمله از امام صادق علیه السـلام روایت شـده است: هنگامی که در کنار خانه کعبه می ایسـتند، آن حضـرت علیه السـلام ید بیضاء موسـی را ظاهر می نمایند،(۳۷) همان یـد بیضاء که خداونـد می فرمایـد: «اسْـلُکْ یَدَکَ فِی جَیْبِکَ تَخْرُجْ بَیضاءَ مِنْ غَیرِ سُوءٍ آیَه اُخرَی»؛(۳۸) «دست خویش را به گریبانت داخل ساز که سفید و درخشان، بدون عیب و نقص بر می آید».

آیت اوّل حضـرت موسـی علیه السلام عصا بود و آیت دوم آن حضرت علیه السلام این بود که دست در گریبان خود می کرد وقتی بیرون می آورد و بالاـ می برد درخشـندگی خاصّـی داشت یعنی نوری از آن سـاطع می شـد که فضـای بسـیار زیـادی را روشن می نمود. «مِن غیرِ سوء؛ بـدون این که نقصـانی در آن دست باشـد». و این معجزه است چرا که کسـی نمی توانـد چنین کاری انجام دهـد و این درخشـندگی را در دست خود ایجاد کنـد. امام زمان «عجّل اللّه فرجه» نیز هنگامی که ظاهر می گردد، این معجزه را نشان می دهند. و معجزهای دیگر که این ها از وسایل نصرت و یاری آن حضرت هستند و از این طریق دشمن را وادار به تسلیم می نماید و یا معجزاتی که سبب از بین رفتن دشمنان می شود.

خداونـد متعال بر سـپاه سـفیانی عـذاب نازل می نمایـد و این ها در زمین فرو می روند که چند هزار نفرند و بدون این که امام زمان «عجّل اللّه فرجه» با آن ها جنگ نماید نابود می شوند. و این از جمله نشانه های حتمی ظهور امام

زمان «عجّل اللَّه فرجه» است.

یا این که باد را خداوند تحت اختیار امام علیه السلام قرار می دهد و همان طوفان حضرت نوح علیه السلام در اختیار آن حضرت است. تمام موجودات زمین و آسمان تحت اختیار و تسلّط امام خواهند بود. ماه، خورشید، حیوانات و ... .

همان گونه که بعضی از انبیاء سلف توسط بعضی از حیوانات بر دشمن خود غلبه می نمودند مانند حضرت سلیمان که هُدهُد برای او خبر آورد و بعد پیام حضرت سلیمان را بر ملکه سبا برد و بعد تهدید حضرت سلیمان علیه السلام را ابلاغ نمود. خداوند فرماید: «وَحُشِرَ لِسُلَيْمانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِ ّ وَالإِنسِ وَالطَّيرِ فَهُم يُوزَعُونَ»؛(۳۹) «سپاهیان سلیمان از جنّ و انس و پرندگان نزد او جمع شدند در حالی که به سبب کثرت به هم فشرده بودند».

قرآن، طیر (پرندگان) را در شمار سپاهیان حضرت سلیمان علیه السلام ذکر می کند. یکی از سپاهیان امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» نیز پرندگان هستند.

همان گونه که خداوند متعال ابابیل را فرستاد و اصحاب فیل، فیل ها و سواران آن ها را نابود نمود «كَعَصْفٍ مَاكُولٍ»؛(۴۰) «مانند کاه و ینجه خورده شده گردیدند». فیل با آن عظمت جثه مانند کاه جویده شده بود. همان خداوند قادر است که امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» را توسط ابابیل و پرندگان کوچک بر دشمنانش غلبه دهد.

ششم: از انصار امام زمان علیه السلام مؤمنین هستند

ان شاء اللَّه این دعای ما مورد استجابت قرار گیرد.

«اللّهمّ اجعلنا من انصاره واعوانه و ... .»

عرض کردیم که انصار و اصحاب با هم تفاوت دارند. امّا نسبت به امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» اصحاب امام زمان جزء انصار آن حضرت نیز هستند ولی همه انصار آن حضرت علیه السلام از اصحاب نیستند. امام جوادعلیه السلام فرمودند: «فإذا اجتمعت له

هذه العدّه من أهل الإخلاص اظهر امره، فإذا أكمل له العقد - وهو عشره آلاف رجل - خرج بإذن اللّه عزّوجلّ؛(۴۱) و هنگامی که این گروه (سیصد و سیزده نفر) از اهل اخلاص برایش جمع شوند امر خویش را آشکار خواهد ساخت و چون عِقد (یعنی ده هزار مرد) برایش تکمیل گردد به اذن خداوند خروج خواهد کرد».

ما از خداوند درخواست می کنیم که ما را از انصار آن حضرت قرار دهد. چند روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که اگر کسی کار خیری را از روی جدّ و حقیقت تمنّا انجام دهد، خداوند همان ثواب را به او عنایت می نماید.(۴۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه های خود فرمودند: در جایگاه خویش پایدار باشید و بر سختی ها و گرفتاری ها شکیبایی کنید، و دست ها و شمشیرهای خود را در پی هوس های زبانتان به کار نبندید (و سَبُک سری و تهوّر نداشته باشید) و به آنچه خداوند تکلیف نکرده مشتابید؛ زیرا که هر یک از شما در حالی که حق پروردگار و حقّ رسول و حق اهل بیت او را شناخته باشد و بر خوابگاه خود بمیرد شهید مرده است و مزد او با خداست و سزاوار پاداش کردار نیکی است که در اندیشه داشته و این اندیشه جای شمشیر کشیدنش را باقی نمی گذارد زیرا که هرکاری وقتی معیّن دارد.(۴۳)

فیض بن المختار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هر یک از شما در حالی بمیرد که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش بوده باشد. آن گاه چند لحظه درنگ کردند. سپس فرمودند: نه، بلکه همچون کسی است که در

رکاب رسول خداصلی الله علیه وآله شهید شده باشد.(۴۴)

واقعاً کسی که منتظر باشد تا امام زمان «عجّل اللّه فرجه» ظهور کند و از یاران آقا باشد اگر در رختخواب هم بمیرد مانند کسی است که در رکاب پیغمبر به خون خود آغشته شده است.

بعضی را ثواب شهدای بدر می دهند و بعضی را، چند برابر شهدا ثواب می دهند. این ها بستگی به نیّت و اخلاص و تمنّا و راستگویی انسان دارد.

عمّار ساباطی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای عمّار! همانا به خدا سوگند هیچ یک از شما بر این حالی که هستید نمیرد مگر آن که نزد خداوند از بسیاری از کشته شدگان در بدر و اُحد برتر باشد، پس شما را مژده باد.(۴۵)

بنابراین ما که از خدا می خواهیم از انصار امام زمان «عجّل اللّه فرجه» باشیم، نباید بگوییم: کو تا امام زمان علیه السلام ظهور کند؛ زیرا این حرف باطل است. بعضی ها هم می گویند ما از خودمان مأیوس هستیم. این هم درست نیست. وقتی که این دعا را می خواند باید خود را در این مرحله قرار دهد که اگر امام الآن ظاهر شد من در شمار انصار حضرتش قرار بگیرم.

نکته دیگر درباره انصار امام زمان علیه السلام این است که لازم نیست که انصار آن حضرت علیه السلام در زمان ظهور ایشان باشد. الآن هم امام زمان علیه السلام دشمن دارد و اکنون هم می توان امام را یاری نمود و لازم نیست که جبهه جنگی باشد. انسان با گفتار محکم و متقن با مخالفین آن حضرت بحث کند. البته هم با گفتار و هم با اعمال نیک، دیگران را به سمت دین و مذهب حقّه راهنمایی نماید. پس اوّلاً باید امام

زمـان علیه السـلام را درست بشـناسد و ثانیاً نبایـد به گونه ای باشـد که به نـام امـام زمـان علیه السـلام موجبـات نارضایتی آن حضرت را به بار آورد، و به جای این که با اعمال خود مردم را به امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» یا به مذهب حقّه دعوت کند آن ها را از دین و امام زمان علیه السلام طرد نماید.

نصـرت امـام زمان علیه السـلام شـرایط دارد. وقتی می گوییم: «اجعَلنی مِن اَنصارِه» نصـرت امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» بایـد در تمام اعمال ما، گفتار ما، و کردار ما نمایان باشـد. نبایـد تعمـد در گناه داشـته باشـیم. مبادا رفتار ما سـبب ناراحتی آن حضـرت شود. مبادا لباسـی بپوشـیم که ایشان نمی پسندد، نکند سخنی بگوییم که مایه رنج امام گردد، طوری نباشد که روش ما درست بر خلاف روش و رفتار امام زمانمان باشد ولی به زبان بگوییم: خدایا! ما را از یاران او قرار ده!

انصـار امـام زمان «عجّل اللَّه فرجه» طبقات مختلف هسـتند. گاهی اوقات نصـرت به غیر مؤمن هم ممکن است انجام شود. یعنی فردی مؤمن نباشـد ولی امـام زمـان «عجّل اللَّه فرجه» را یاری کنـد. خداونـد دینش را گاهی اوقات به وسـیله افرادی که مؤمن نیسـتند یاری می نماید. پس خوب است وقتی درخواست یاری امام زمان علیه السـلام را می کنیم با قید ایمان و التفات و توجّه باشد تا ان شاء اللَّه جزء مؤمنین باشـیم و امام زمان «عجّل اللَّه فرجه» را یاری کنیم نه این که خدای ناکرده ما مؤمن نباشـیم ولی در مسـیر یـاری امام زمان علیه السـلام قرار بگیریم یاری کردن امام علیه السـلام خودش عنوانی دارد. ولی خوب – بلکه لازم – است که با حالت ایمان و اعتقاد

همراه باشد. و به طور کامل حضرت را به آن مقداری که از دستش بر می آید نصرت و یاری کند.

گونه های یاری امام

و نصرت دارای مراحلی است:

۱ – مرحله اوّل یاری اعتقاد و اندیشه و فکر و تصمیم است، که شخص خودش را در مسیر امام زمان علیه السلام قرار بدهد. از ناحیه فکری، اعتقادی امام علیه السلام را یاری و نصرت نماید. با تقویت نیروی اعتقادی خویش به آن حجّت خداوند وابستگی کامل داشته باشد و شیعه خالص گردد.

۲ – مرحله دیگر نصرت و یاری امام علیه السلام به وسیله زبان است، یعنی انسان زبانش را در راه امام زمان علیه السلام و کمک به ایشان و علیه دشمن ایشان به کار بگیرد. در روایات بسیار این معنا را می بینیم که افرادی با زبان، یاور پیغمبر و ائمه علیهم السلام بوده اند اما مرحله دیگر را نداشتند و فقط در یک مقطع خاص این فضیلت را داشتند. از معجزه های اولیای دین این است که وقتی در حق این افراد دعا می کردند به این نکته اشاره داشتند. حسان بن ثابت از جمله شعرایی بود که از اصحاب پیغمبرصلی الله علیه وآله به شمار آمده است و در مناسبت های مختلف شعر می سرود ولی آدم بزدل و ترسویی بودن لذا در جنگ خندق (احزاب) از ترس میان زنان پنهان شده بود. زنان متوجه شدند که یک یهودی از پشت سر شبیخون زد. به حسان گفتند: بلند شو و یهودی را به قتل برسان. اما او از ترس حاضر نشد. سرانجام یکی از زنان بلند شد و یهودی را کشت. حسان حتی بلند نشد لاشه یهودی را بیرون ببرد.(۴۶) لذا او مردی بزمی بود و رزمی

نبود. در غدیر خم هنگامی که پیغمبرصلی الله علیه وآله به فرمان خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خویش نصب فرمود. حسان به پیامبرصلی الله علیه وآله عرض کرد: اجازه می دهید شعر بگویم؟ پیامبر اجازه فرمود و او این شعر را سرود:

یُنادیهِمْ یَوْمَ الغَدیرِ نَبِیُّهُم بِخُمٍ وَأسمِعْ بِالرَّسُولِ مُنادِیاً(۴۷)

بعد از سرودن این شعر پیامبرصلی الله علیه وآله به حسان فرمود: «لاتزال یا حسّان مؤیّدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک؛ تا وقتی که با زبانت ما را یاری می کنی روح القدس یاور تو باشد».

زبان در کمک به اولیای دین خیلی مهم است.

هنگامی که هشام بن الحکم در مجلس هارون با مخالفین درباره امامت مناظره و بحث کرد هارون در اتاق مجاور بود و هشام خبر نداشت. هشام از شاگردان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود. بعد از شکست دادن مخالفین و اثبات امامت حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام هارون عصبانی شد و گفت: عجب، این زنده است و من حکومت می کنم به خدا قسم زبان هشام از صد هزار شمشیرزن برای حکومت من خطرناک تر است.(۴۸) هشام در سنین جوانی آن چنان سخن می گفت که مردم در مقابلش تسلیم می شدند. عمر بن عُبَید را در بصره با یک بیان ساده آن چنان در هم پیچید، که مجبور به تسلیم شد.

انسان در مقابل فتنه های دشمنان باید امام علیه السلام را یاری نماید. البته ناگفته نماند که این نحو یاری برای کسانی است که از عهده آن برآیند وگرنه چه بسا انسان در اثر جهل به جای یاری به دین ضربه بزنند. به همین سبب ائمه علیهم السلام به هر کسی اجازه نمی دادند با دشمنان بحث کند. ابوجعفر مؤمن الطاق یکی

از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام بود. ایشان در بحث و مناظره مهارت عجیبی داشتند، ابوخالد کابلی می گوید: ابوجعفر مؤمن الطاق را دیدم که در روضه پیامبرصلی الله علیه وآله نشسته است و در حالی که اهل مدینه (بر اثر ازدحام و کشمکش) جامه او را پاره کرده بودند باز هم پیوسته به سؤال های آنان پاسخ می داد. به او نزدیک شدم و گفتم: امام صادق علیه السلام ما را از کلام (و بحث و مناظره) نهی فرموده است.

به من گفت: آیا امام به تو چنین دستوری داده است که این مطلب را به من بگویی؟

گفتم: به خدا سوگند خیر، غیر ولی به من دستور فرمود که با کسی بحث نکنم. مؤمن الطاق گفت: برو دستور آن حضرت را اطاعت کن.

ابوخالد گوید: سپس به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، و گفت و گویم با مؤمن الطاق را به عرض ایشان رساندم. امام علیه السلام لبخندی زد و فرمود: ای ابوخالد! البته مؤمن الطاق با مردم بحث می کند و پرواز می نماید، امّا تو اگر بال هایت را ببرند دیگر پرواز نمی کنی.(۴۹)

حضرت، مؤمن الطاق را تأیید می کردند. پس کسی که می خواهد بحث کند باید هم مطالعه جامع و هم حضور ذهن کاملی داشته باشد تا بتواند شبهات را فوری پاسخ بدهد.

۳ - مرحله دیگر یاری امام علیه السلام به وسیله مال است. گاهی در مقابل دشمنان و گاهی کمک به دوستان امام زمان علیه السلام که در واقع کمک به امام علیه السلام است؛ مانند جوانی که نیاز به ازدواج یا شغل دارد انسان او را از لحاظ فکری یا مالی کمک کند. در واقع این ثواب و فضیلت نصرت و یاری امام علیه

السلام یا اعانت امام را خواهد برد.

۴ – نوع دیگر کمک به وسیله رفتار و سلوک است؛ یعنی شخص چنان روش و کرداری داشته باشد که مایه سرافرازی دوستان امام و شکست و خواری دشمنان دین گردد.

بزرگ ترین دشمن امام زمان «عجّل اللّه فرجه» شیطان است. باید به وسیله تقوا و پاکی و درستکاری به جنگ شیطان برویم و با کوشش و جدّیت در امر عبادت او را زمین بزنیم. نماز اوّل وقت، خود برخورد و مبارزه با دشمنان امام زمان علیه السلام است. معاشرت صحیح با دیگران مانند: احترام به پدر و مادر و صله رحم و خوش زبانی و نیک خویی و امانتداری از گونه های یاری کردن امام زمان «عجّل اللّه فرجه» است.

۵ – یکی دیگر از نحوهای یاری امام علیه السلام دعا نمودن برای حضرت است. به خصوص دعا برای تعجیل فرج ایشان. چون یکی از مهم ترین وسایل مؤثّر در این عالم دعاست.

برای نابودی دشمن و غلبه بر مخالفین و برای تقویت بنیه دین و اولیای دین دعا بهترین وسیله است؛ مانند صلوات فرستادن. صلوات هم ذکر است و هم دعا. «خدایا درود فرست بر پیامبر؛ یعنی وجود پیامبرصلی الله علیه وآله را، دین آن حضرت را، در عالم گسترش بیشتری بده». پس صلوات درخواست گسترش یافتن عظمت و جلال و شکوه و مقام این دین مقدس است. این همه ثواب برای صلوات از جهت آن است که این درخواست بهترین درخواست ها از خداوند است. مخصوصاً اگر با «وعجل فرجهم» همراه باشد. این خودش یکی از اقسام نصرت و یاری امام زمان علیه السلام با زبان است ولی به سبب اهمیت آن جداگانه ذکر کرده اند. خود آن

حضـرت علیه السـلام فرمودند: «وَاَکثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعجیلِ الْفَرَجْ فَاِنَّ ذلِکَ فَرَجُکَم؛(۵۰) برای تعجیل فرج من بسـیار دعا کنید چرا که گشایش کار شما در همان است».

این طور نباشد که انسان گاهی که یادش آمد دعا کند، بلکه باید در نماز و بعد از نماز و اوقات دیگر پیوسته دعا نماید.

۶ – اقسام دیگر نصـرت و یاری امام، ذکر فضایل و مناقب و مصائب ائمه علیهم السـلام است. چون امام زمان «عجّل اللّه فرجه» شبانه روز بر جدّش حسین علیه السلام گریه می کند و اظهار همدردی با آن حضرت نوعی یاری نمودن است.

مددکار امام زمان علیه السلام باشیم

اللّهُمَّ اجْعَلنی مِنْ اَنصَارِهِ وَاَعْوانِهِ و ...»

خداوندا مرا از یاران و یاوران او قرار ده عون : یعنی کمک نمودن دیگری برای رسیدن به خواسته اش، در هر جهتی از جهات و به هر شکلی که باشد را عون و اعانه می گویند.

نکته مهمّی که در اینجا لازم است توجه داشته باشـیم این که اعانت اصـلی از خـداست. لذا در سوره حمد – که در هر نمازی لازم است خوانده شود می گوییم : «اِیّاکَ نَعبُدُ وَایّاکَ نَستَعینُ» «فقط تو را می پرستیم و فقط از تو استعانت می جوییم».

پس اصـل اسـتعانت از خـداست لـذا ابزار اسـتعانت را خداونـد در اختیـار مـا قرار داده است و از ما خواسـته که از آن ها مـدد بجوییم، می فرمایـد: «اسْتَعینُوا بِالصَّبرِ وَالصَّلواه»؛(۵۱) «به وسـیله صبر و نمـاز اسـتعانت بجوییـد». و فرموده انـد که: مراد از صبر روزه است و بهترین مُعین خداوند است. «إنَّهُ خَیرٌ ناصرٌ وَمُعین؛ خداوند بهترین یار و مددکار انسان است» به خصوص نسبت به امام خودش. «إنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَالَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیواهِ الدُّنْیا وَیَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ»؛(۵۲) «البته که ما فرستادگانمان و کسانی

که ایمان آورده اند را در زندگانی دنیا و روز بپا خاستن شاهدان، یاری می کنیم». و بعضی آیات دیگر که این معنا در آن ها تاکید شده است.

در درجه بعد کمک و یاری امام زمان علیه السلام به وسیله افرادی است که به امر خداوند می بایست نسبت به امام زمان «عجّل اللّه فرجه» یاری و کمک برسانند.

در آیات قرآن و در روایات تاکید شده است که مؤمنین یکدیگر را یاری و اعانت کنند. خداوند می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالتَّقْوَی ؛(۵۳) «یکدیگر را در کار نیک و تقوی یاری نمایید». یعنی انسان در هر کار خیری باید مشارکت داشته باشد. اعم از این که کار بستگان او باشد یا غیر آن ها. پس کمک کردن در کار تقوی و فضیلت و نیکوکاری از سوی خداوند خواسته شده است.

احادیث و روایات نیز در این زمینه بسیار است و آثار و ثواب فراوان در این رابطه ذکر شده است که اجمالا به آن ها اشاره می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده: «مَنْ اَعانَ مُؤمِناً نَفَّسَ اللَّه عَنهُ ثَلاثاً وَسَبعینَ کُرْبَهً واحِدَهً فِی الدُّنیا وَاثْنَتَینَ وَسَبعینَ کُرْبَه عِندَ کُرْبَتِهِ الْعُظمَی؛(۵۴) کسی که مؤمنی را کمک کند خداوند هفتاد و سه گرفتاری او را برطرف می سازد. یکی از آن ها را در دنیا و هفتاد و دو گرفتاری در آخرت».

کمک اعم از کمک مالی، فکری و بدنی است. امام موسی بن جعفرعلیه السلام در مسجد به نماز ایستاده بودند، پیرمردی در کنار ایشان می خواست از جایش برخیزد، عصایش بر زمین بود، امام موسی بن جعفرعلیه السلام در وسط نماز مستحبی خم شدند و به پیرمرد کمک نمودند و سپس به نماز خود ادامه دادند.(۵۵)

امام صادق علیه

السـلام می فرماید: «وَمَا مِنْ مُؤمِنٍ يُعينُ مُؤمِناً مَظْلُوماً اِلّا كَانَ لَهُ اَفضَلَ مِنْ صِيامِ شَهرٍ وَاِعْتِكافِهِ فِی المَسْجِدِ الْحَرامِ؛(۵۶) هر کسی که مؤمن مظلومی را یـاری نمایـد، خداونـد ثوابی به او عطـا می کنـد که از یـک ماه روزه و اعتکاف در مسـجد الحرام افضـل است».

کسـی که در مکه روزه بگیرد یـک روز آن معـادل یک سال روزه گرفتن در مکان های دیگر است. حال اگر یک سال روزه بگیرد اعتکاف هم بکند چطور؟! با این حال اعانت مؤمن ثوابش بیشتر خواهد بود.

در روایتی دیگر از آن حضـرت است: «وَاللَّهُ فِی عَونِ المُؤمِنِ مَا كَانَ المُؤمِنُ فِی عَوْنِ اَخيه؛(۵۷) مادامی که انسان برادر دینیش را یاری کند خداوند هم یار اوست».

و نیز فرمودند: «فَمَا اَحْسَنَ مُؤمِنٌ اِلی مُؤمِنٍ وَلا اَعَانَهُ إلّا خَمَشَ وَجهُ اِبليسَ وَقَرَحَ قَلبَهُ؛(۵۸) هر مؤمنی به مؤمن دیگر نیکی کند و او را یاری نماید جز این نیست که ابلیس در اثر این عمل خیر مؤمن، صورت می خراشد و قلبش مجروح می شود».

در حدیثی از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: مؤمن را بر گردن مؤمن دیگر هفتاد حق است. مُعَلّی بن خنیس که از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام بود کسی است که به جرم هواداری آن حضرت او را کشتند. و امام صادق علیه السلام بر قاتل او نفرین نمودنـد.(۵۹) این شـخص روزی به امـام صـادق علیه السـلام عرضه داشت: یـابن رسـول اللَّه! حقوقی که یک مؤمن بر مؤمن دیگر دارد بیان بفرمایید. امام علیه السلام فرمود: «می ترسم که آن ها را رعایت نکنی. ولی معلی اصرار نمود.

امام علیه السلام فرمود: حال که اصرار می کنی هفت تا را برایت می گویم. سومین حقی را که شمردند این است:

«أَنْ تُعِينَهُ بِنَفسِكَ وَمَالِكَ وَلِسَانِكَ وَيَدِكَ وَرِجلِكَ؛(۶۰) برادرت را با جان و مال و زبان و دست و پایت یاری نمایی».

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «رَحِمَ اللَّه وَلَداً اَعَانَ وَالِدَيهِ عَلَى بِرِّهِ وَرَحِمَ اللَّه وَالِداً اَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ؛ خداوند رحمت کند اولادی را که پدر خود را کمک نماید بر نیکی و احسان؛ و خداوند رحمت کند پدری که بر فرزند خود به نیکی و احسان کمک نماید».

این اعانت از سنخ امور معنوی است. یعنی پدر طوری رفتار نکند که اولاد به رویش برگردد یا او را ترک کند و یا به او توهین نماید.

و نیز می فرمایند: «وَرَحِمَ اللَّه جَاراً اَعَانَ جَارَهُ عَلَى بِرِّهِ؛ خداوند رحمت کند همسایه ای که همسایه اش را بر نیکی یاری نماید».

«وَرَحِمَ اللَّه رَفيقاً اَعَانَ رَفيقَهُ عَلَى بِرِّهِ؛(۶۱) خداوند رحمت کند بر آن دوستی که دوست خود را بر نیکی خودش یاری کند».

امام صادق علیه السلام از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کنند: «عَوْنُکَ الضَّعیفِ مِنْ أَفضَلِ الصَّدَقَه؛(۶۲) کمک کردن به شخص ناتوان از بهترین صدقات است».

در ذهن ما این است که پولی به فقیر بدهیم. در حالی که صدقه مختص این نیست بلکه هر کار خوبی است که برای خدا انجام دهد.

در این روایت شخص ناتوان مورد نظر است و در بعضی روایت آمده است که عون نسبت به غیر مؤمن هم ثواب دارد.

امام صادق علیه السلام با یکی از اصحاب خود به نام «مصادف»، از مکه به مدینه می رفتند، ناگهان دیدند شخصی در زیر درختی خوابیده است. امام علیه السلام به هم سفر خود فرمود: بیا برویم نزدیک این مرد، مبادا بر اثر تشنگی افتاده باشد. وقتی که نزدیک

آمدند دیدند آن شخص، مردی نصرانی است با موهای بلند! امام علیه السلام به او فرمودند: تشنه هستی؟ گفت: آری. امام علیه السلام به «مصادف» فرمود: پیاده شو و به او آب بده. همراه آن حضرت از اسب پایین آمده و به نصرانی آب داد سپس به حضرت رو نمود و عرضه داشت: شما به نصرانی هم کمک می کنید؟ امام علیه السلام فرمود: «نَعَمْ إِذَا كَانُوا بِمثلِ هذِهِ الْحَاله؛ (۶۳) بله اگر در چنین حالی باشند».

حتی فقها در رساله های عملیه نوشته اند که اگر در بیابان حیوانی تشنه است و مقدار کمی آب است که اگر به حیوان داده شود آب برای وضو نیست می گویند: تیمم کن و آب را به حیوان بده تا از تشنگی نمیرد. پس اعانت و کمک نسبت به مؤمنین و بلکه حتّی غیر مسلمانان هم در امور زندگی عادی و مواهب الهی، وظیفه مؤمنین است تا چه برسد به امام زمان علیه السلام که یاری نمودن او از مهم ترین واجبات و از لوازم ایمان و اعتقاد است.

اقسام یاری به زبان

از مهم ترین شیوه های یاری و کمک به امام علیه السلام یاری نمودن او به وسیله زبان است و این خود چند گونه می باشد:

۱ - افشای نام و صفات و بیان شؤون و مقامات و فضایل و کرامات آن حضرت«عجّل اللّٰه فرجه» در جایی که تقیّه نباشد.

۲ - امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی واداشتن دیگران - به خصوص بستگان و دوستان و آشنایان - به انجام واجبات و هشدار و بازداشتن آنان از کارهای نامشروع و حرام.

۳ - دعوت و راهنمایی ناآگاهان و یادآوری به غافلان و بی خبران.

۴ - اهتمام به راستگویی و گفتار پسندیده و سخنان شایسته.

۵

– دفاع زبانی از حقوق امام علیه السلام و ردّ شبهات؛ در حدیثی از امام باقرعلیه السلام آمده که فرمودند: «مَنْ اَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَی عَدُوِّنَا اَنْطَقَهُ اللَّه بِحُجَّتِهِ یَومَ مَوقِفِهِ بَینَ یَدیهِ عَزَّوَجلَّ؛(۶۴) هرکس ما را به وسیله زبان خود بر دشمنان یاری دهد، خداوند زبان او را در آن روز که در پیشگاهش قرار گیرد به دلیل و دفاع از خودش گویا سازد».

۶ – بیان مظلومیّت اهل بیت علیهم السلام و ذکر مصائب آنان که انگیزه دفاع و مبارزه علیه ستمگران و دشمنان دین و انسانیّت را تقویت نماید.

۷ – دعا و نیایش به درگاه خداوند برای زودتر شدن فَرَج و گشایش و برپایی حکومت جهانی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه و لازم است که دوستان بااخلاص امام زمان«عجّل اللّه فرجه» زبان خود را از هرگونه ناهنجاری و سخن ناپسند از قبیل دروغ و غیبت و ناسزا و تمسخر و بیهوده گویی حفظ کنند.

و امّا در مقام عمل و رفتار، مولای متّقیان علی علیه السلام در نامه ای که به عثمان بن حُنیف نوشتند چنین فرموده اند: «ألا وَإنَّ لِکُلِ مَأمُوم إمَاماً یَقتَدی بِهِ وَیَسْتَضِیئُ بِنُورِ عِلمِهِ، أَلاـ وَإنَّ إمَامَکُمْ قَدْ اکتَفَی مِنْ دُنیاهُ بِطِمرَیهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصَیهِ أَلا وَإنَّکُمْ لاتَقدِرُونَ عَلَی ذَلِکَ وَلکِنْ اَعینُونِی بِوَرَع وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسَدادٍ فَوَاللَّهِ مَا کَنَزتُ مِنْ دُنیاکُمْ تِبراً وَلا ادّخَرتُ مِنْ غَنآئِمِهَا وَفْراً وَلا اعْدَدتُ لِبالِی ثَوبِی طِمراً؛(۶۵) بدانید هر پیروی را امامی است که او را الگوی خویش قرار می دهد و از نور دانش او روشنی می یابد و بدانید که در حقیقت، امام شما از دنیای خویش دو جامه کهنه و از خوراکی به دو قرص نان (یکی برای روز و دیگری

برای شب) بسنده نموده است. البته شما نمی توانید این گونه زندگی کنید ولی به وسیله پرهیزگاری و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری ام نمایید».

این پیام امیرمؤمنان علیه السلام به همه دوستان و پیروان ائمه اطهارعلیهم السلام است که در مقام عمل و رفتار چهار دستور فرموده اند:

اوّل: پرهیزگاری؛ یعنی خویشتن داری از هرگونه گناه؛ به خصوص در معاملات و به دست آوردن ثروت از طریق حلال و هزینه کردن در راه حلال.

دوّم: تلاش، یعنی جدّیت و پشتکار در انجام وظایف دینی و اهتمام به تقوا و نیکوکاری.

سوّم: عفّت و پاکدامنی و خویشتن داری از هوس ها و شهوت های مادّی.

چهارم: استواری رفتار و پایداری در پیمودن شیوه های درستکاری.

جلوگیری از ناگواری ها

اللّهُمَّ اجْعَلنی مِنْ... وَالذّابینَ عَنْهُ خداوندا مرا از مدافعان او (قرار ده)

یکی از اموری که در نصرت و یاری آن حضرت، در ادعیه و زیارات وارد شده عنوان «الذّاب» می باشد که جمع آن ذابّین است. ذَبّ به معنی دفع و جلوگیری از اموری است که مایه ناگواری است و فرق آن با دفع این است که دفع در صورتی است که چیزی واقع شده باشد و انسان آن را براند ولی ذَبّ، راندن و برطرف کردن ناگواری است که نزدیک آمده امّا هنوز واقع نشده باشد. لذا به مگس، ذباب می گویند چون هنوز مگس روی فرد ننشسته آن را از خود می رانند.(۶۶)

ذَبّ از امام زمان علیه السلام؛ یعنی جلوگیری نمودن و دور ساختن ناگواری ها از آن حضرت علیه السلام.

این کار از جمله لوازم ایمان است که از برادر ایمانی اش ناگواری ها را برطرف سازد. حتی در غیبت برادر دینی؛ مثلاً کسی که غیبت برادر دینی را می کند بر شنونده لازم است از غیبت برادر دینی

جلوگیری نماید و مانع آن گردد. و ثواب آن بسیار است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره به یارِ باوفایش جناب ابوذر غفاری توصیه می فرماید: «یَا اَبَاذَر مَنْ کَانَ ذَبَّ عَنْ اَخیهِ المُؤمِنَ الغِیبَه کَانَ حَقاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یُعتِقَهُ مِنَ النَّارِ؛(۶۷) ای اباذر! هرکس از برادر دینی اش، غیبت را دور سازد حقی است بر خدا که او را از آتش دوزخ نجات دهد».

امیرمؤمنان علیه السلام به یاران خود هنگام جنگ چنین فرمود: هرکدام از شما که هنگام برخورد با دشمن در خود جرأت و پردلی احساس کند و در یکی از برادران (هم رزم) خویش بیم و عقب نشینی مشاهده نماید، باید که به سبب برتری و دلیری که خداوند به او عطا فرموده است، دشمن را از برادر خویش براند (و دور سازد) همان گونه که از خودش دفاع می نماید؛ زیرا که اگر خدا می خواست او را هم مانند وی قرار می داد.(۶۸)

کسی که از مؤمن عادی غیبت را دفع کند از آتش جهنم ایمن خواهد بود حال اگر کسی از امام زمان علیه السلام غیبت را دفع کند چطور؟ زیرا که بسا از روی جهل و نادانی سخنان نادرست و باطلی راجع به آن حضرت می زنند که وظیفه شخص مؤمن آن است که سخنان باطل و ناگواری را از آن حضرت علیه السلام دور نماید.

راندن ناگواری از وجود مقدس امام زمان علیه السلام انواع مختلف دارد:

نقش دعا در برطرف کردن ناگواری

یکی از اقسام جلوگیری و منع ناگواری از هر کسی دعا کردن است.

چنان که از «بشّار مکاری» روایت شده که گفت: در شهر کوفه به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که پیش روی آن حضرت طبقی از

خرمای طبرزد بود و تناول می کرد، به من فرمود: ای بشّار! نزدیک بیا و از این خرما میل کن من گفتم: خداوند گوارایت سازد و مرا فدای تو گرداند، بین راه حادثه ای دیدم که غیرتم را تحریک نموده و دلم را به درد آورده است.

امام فرمود: تو را به حقّ من سوگند که نزدیک بیا و از این خرما تناول کن!

بشّار گوید: جلو رفتم و از آن خرما خوردم. سپس فرمود: حکایت خود را بازگوی!

عرض کردم: یکی از مأمورین را دیدم که بر سر بانویی می زد و او را به سوی زندان می برد، آن زن با صدای بلند می گفت: به خدا و رسول او پناه می برم! ولی هیچ کس به دادش نرسید.

امام علیه السلام فرمود: چرا با او چنین رفتار می شد؟

گفتم: از مردم شنیدم که می گفتند: او زمین خورد و گفت: ای فاطمه! خداوند ظلم کنندگان بر تو را لعنت کند! بدین سبب او را دستگیر کردند و چنین رفتاری با او داشتند.

امام علیه السلام از خرما خوردن دست کشید و آن قدر گریه کرد که دستمال و محاسن و سینه اش از اشک تر شد. آن گاه فرمود: ای بشّار! برخیز به مسجد سهله برویم و دعا کنیم و رهایی این بانو را از خداوند درخواست نماییم و سپس یکی از شیعیان را به مرکز حکومت فرستاد و تأکید نمود که همان جا بماند تا فرستاده اش نزد او برود تا از وضعیّت آن بانو با خبر شود.

بشّار گوید: در خدمت آن حضرت به مسجد سهله رفتیم و هر یک از ما دو رکعت نماز خواند، آن گاه امام صادق علیه السلام دست به سوی آسمان بالا برد و دعایی خواند... .(۶۹)

آن گاه به سجده

افتاد، به طوری که فقط نفس کشیدن او را می شنیدم، سپس سر از سجده برداشت و فرمود: برخیز که خانم آزاد شد! از مسجد سهله بیرون رفتیم، بین راه آن شخص که به مرکز حکومت فرستاده شده بود به ما ملحق شد، امام علیه السلام به او فرمود: چه خبر؟ عرضه داشت: آن خانم آزاد شد.

امام علیه السلام فرمود: چگونه (و به چه سبب) او را آزاد کردند؟

گفت: نمی دانم ولی من آنجا ایستاده بودم که ناگهان دربانی آمد و آن خانم را فراخواند و از او پرسید: چه گفتی؟ (که تو را دستگیر کردند)

خانم پاسخ داد: به زمین افتادم و گفتم: ای فاطمه علیها السلام! خداوند ظلم کنندگان بر تو را لعنت کند! که این گونه با من رفتار شد.

دربان دویست درهم به آن بانو تقدیم کرد و گفت: این مبلغ را بگیر و امیر را حلال کن!

خانم پول را نپذیرفت، دربان به نزد رئیس خود رفت و گزارش داد. سپس بیرون آمد و به خانم گفت: (آزاد هستی) به منزلت برو! خانم هم به سوی منزل خود روانه شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: حاضر نشد دویست درهم را بپذیرد؟!

مرد گفت: آری، در حالی که به خدا سوگند به آن مبلغ نیاز داشت!

بشّار گوید: امام علیه السلام کیسه ای از جیب خود بیرون آورد که هفتصد دینار در آن بود و به من فرمود: تو این کیسه را به منزل او ببر و سلام مرا به او برسان و این هفتصد دینار را به او پرداخت کن!

راوی گوید: همگی به درِ منزل آن خانم رفتیم و سلام امام را به او ابلاغ نمودیم.

خانم پرسید: شما را به خدا! حضرت جعفر بن

محمد به من سلام فرستاد؟!

من گفتم: درود خداوند بر تو باد، به خدا سوگند که حضرت جعفر بن محمّدعلیهما السلام به تو سلام فرستاد!

فریادی کشید و بیهوش بر زمین افتاد. صبر کردیم تا به هوش آمد و گفت: دوباره سخن امام علیه السلام را تکرار کن. تا سه مرتبه پیام امام علیه السلام را برای او تکرار کردیم، آن گاه به او گفتیم: این مبلغ را که آن حضرت برایت فرستاده بگیر و مژده ات باد!

هدیه امام علیه السلام را گرفت و گفت: از آن حضرت بخواهید که نجات این کنیز خود را از خداوند مسألت نماید که هیچ احدی را بزرگ تر از آن حضرت و از پدران و نیاکانش نمی شناسم تا به وسیله او به درگاه خداوند روی آورم.

بشّار گوید: به محضر امام علیه السلام بازگشتیم و به بیان حکایت آن خانم پرداختیم، امام علیه السلام گریست و برای آن زن دعا کرد.

پس من گفتم: ای کاش می دانستم فرج و گشایش آل محمدصلی الله علیه وآله را چه وقت خواهم دید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: ای بشّار! هرگاه ولیّ خداوند که چهارمین پشت از فرزندان من است در سخت ترین سرزمین ها میان بدترین بندگان وفات یابد، آن هنگام به بنی فلان (بنی العباس) مصیبت سیاه تیره و تار فرا می رسد. وقتی چنین وضعی را مشاهده کنی کارها پیاپی دشوار خواهد شد.(۷۰)

پیام امام کاظم علیه السلام

ابو ولّاد حفص بن سالم از اصحاب گران قدر امام موسی بن جعفر روزی به محضر آن جناب شرفیاب شد، امام علیه السلام به او فرمودند: پیام مرا به یارانت برسان و به آنان بگو: تقوای خداوند را پیشه سازید که شما در دوران زمامداری ستمگر - یعنی منصور دوانیقی - هستید، پس زبان هایتان

را حفظ کنیـد و جان و دین خود را نگهداری و مواظبت نمایید و آنچه را بر ما و خودتان از ناحیه او بیمناک هستید توسط دعا دفع و برطرف سازیـد؛ زیرا که دعا و درخواست از خداوند بلا و گرفتاری را باز می گرداند، هرچند که تقدیر شده و به مرحله قضا رسیده امّا هنوز اتفاق نیفتاده باشد.

و هر گاه خداوند خوانده شود و از او درخواست گردد بلا را به کلّی باز می گرداند، پس در دعا زاری کنید که خداوند شرّ او را دفع نماید.

ابوولّاد گوید: هنگامی که پیغام امام علیه السـلام را به یارانم رساندم، دسـتور آن حضـرت را به کار بسـتند و برای دفع شـرّ آن ستمگر دعا نمودند. همان سال منصور دوانیقی به سوی مکّه حرکت کرد، وقتی به بئر میمون وارد شد هنوز احرام نبسته بود که به هلاکت رسید و خداوند ما را از شرّ او راحتی بخشید.

ابوولّاد گوید: من نیز همان سال به مکّه مشـرف شدم. سـپس به محضـر امام کاظم علیه السـلام شـرفیاب شدم. به من فرمود: ای ابوولّاد! اثر و نتیجه دسـتور و تأکیـد مرا نسبت به دعا چگونه دیدید؟ هر گرفتاری که بر بنده مؤمنی فرود آید و او به دعا روی آورد به زودی آن گرفتاری برطرف می شود و هر گاه بلا و گرفتاری بر بنـده مؤمنی فرو ریزد و او از دعا خودداری نمایـد، آن گرفتاری طولانی خواهد شد.(۷۱)

پس دعـا برای امـام علیه السـلام مؤثّر است. در دعای امام زمان «عجّل اللّه فرجه» می خوانیم: «وَاحْفَظْهُ مِنْ بَینِ یَدیهِ وَمِن خَلفِهِ وَعَنْ یَمینِهِ وَعَنْ شِمالِهِ؛(۷۲) خداوندا! او را از پیش روی و پشت سر و از سمت راست و

سمت چپ حفظ کن».

هرچنـد خداونـد وعده داده است که امام علیه السـلام را تا هنگام ظهورش زنده بدارد ولی این گونه نیست که ناگواری به آن حضـرت نرسـد، چون او هم هماننـد پیامبر است که در معرض بیماری ها و ناگواری ها قرار می گیرد و نیز هر گونه ناگواری و گرفتاری که برای شـیعیان و دوسـتان پیش می آید، آن حضـرت را آزرده و ناراحت می سازد و چه بسا به وسیله دعای شیعیان بلا از آن حضرت دفع شود. پس ما نیز باید سعی کنیم تا بوسیله دعا نمودن برای آن حضرت جزء ذابّین آن حضرت باشیم.

صدقه، بلاها را دور می سازد

یکی دیگر از موارد ذبّ از امام زمان علیه السـلام صـدقه دادن از طرف ایشان است تا خداوند بلاها را از ایشان دفع نماید. البته اثر صدقه برای امام زمان علیه السلام به خود شخص هم می رسد و طوری نباشد که امام زمان علیه السلام را شریک در صدقه قرار دهیم مثلاًـ بگوییم: این صـدقه را برای سـلامتی خود و امـام زمـان علیه السـلام می دهم بلکه بایـد برای حضـرت احترام و ارزش خاصی قرار داد و آن جناب را در صدقه دادن مقدّم داشت.

روزی در محضـر زعیم و مرجع گران قدر شیعه مرحوم آیت اللّه العظمی بروجردی قدس سره شخصی گفت: برای سلامتی آقا امام زمان علیه السـلام و حضـرت آیت اللّه بروجردی صلوات! فوری آیت اللّه العظمی بروجردی به آن شخص اعتراض نمودند و با صدای بلند فرمودند: من کی هستم که مرا در کنار امام زمان علیه السلام نام می بری؟!

پس اوّل به نام امام زمان علیه السلام و نیز به نیابت از آن حضرت صدقه بدهد.(۷۳)

پرهیز از رفتار ناگوار

یکی دیگر از راه هـای ذبّ از امـام زمـان علیه السـلام این است که عمـل و رفتـار مـا نسـبت به امام زمان علیه السـلام ناگواری نداشـته باشـد. در زمان قبل از انقلاب در ضـریح های مطهره زن و مرد باهم زیارت می کردند. یکی از علمای بزرگوار مشـهد مقدس(۷۴) برای معالجه چشم به تهران آمدند.

زمانی که در بیمارسـتان بستری بودند، یکی از تجّار تهران که با ایشان آشـنایی داشـتند به مشهد مشرف می شود. این عالم در خواب می بیند که امام رضاعلیه السـلام بر ضریح مطهّر نشسته اند و مردم به زیارت آن حضرت نائل می شوند. ناگهان شخص تاجر که به زیارت آقا مشرف شده بود شئ ای از پیش روی پرتاب نمود! حضرت

خیلی ناراحت شدند.

آن مرد به طرف دیگر ضریح مطهّر رفت و شئ ای دیگر به جانب حضرت پرتاب کرد، باز حضرت ناراحت شدند. بار سوّم آن شخص به طرف پشت سر رفت و شئ ای به سوی امام علیه السلام پرتاب نمود، حضرت به پشت افتادند! آن عالم وحشت زده از خواب بیدار شد، با این که معالجه چشم ایشان پایان یافته بود به منظور ملاقات آن شخص تاجر در تهران ماندند؛ زیرا که سفر او ده روزه بوده است. وقتی آن شخص از سفر برگشت به او فرمود: در این سفر چه کردی؟

گفت: من کاری نکرده ام به زیارت رفته بودم.

عالم گفت: تو به حضرت آزار و اذیت رساندی من خودم در خواب دیدم. آن شخص با گریه و شرمساری مجبور به اقرار شد و گفت: وقتی به حرم رفتم هنگامی که نزدیک ضریح رسیدم دیدم خانمی دستش را روی ضریح گذاشته است من هم دستم را روی دست او گذاشتم. بعد آن زن به طرف دیگر ضریح رفت من هم دنبال او رفتم و دستم را روی دست او گذاشتم. برای بار سوم به طرف دیگر ضریح رفت و من هم به دنبال او رفتم و دستم را روی دست او گذاشتم. و از او پرسیدم: اهل کجایید؟ گفت: اهل تهران! با هم رفاقت کردیم و به تهران آمدیم!(۷۵)

گناه کردن موجب رنجاندن و اذیت امام علیه السلام می شود. لذا باید طوری رفتار کنیم که موجب ناگواری امام علیه السلام نباشد بلکه باید با تجدید نظر در رفتار خود ناگواری ها را از امام زمان علیه السلام دور و برطرف سازیم.

ما باید تابع باشیم نه این که هر چه دلمان خواست عمل کنیم. حتی

نسبت به عزاداری به گونه ای باشیم که به ما دستور داده اند. نه به گونه دوره جاهلیت.

در زیارت نامه حضرت اباالفضل العبّاس علیه السلام این معنا آمده است: «الذّابُّونَ عَنْ اَحِبّائِهِ؛ دفع کننده دشمنان، از دوستان خداوند».

شتاب در برآوردن نیازهای امام زمان علیه السلام

والمُسارعینَ إِلَیهِ فی قَضَاءِ حَوائِجِهِ و شتابندگان به سوی آن حضرت در برآوردن نیازهایش قضاء حوائج یعنی برآورده نمودن خواسته ها و نیازها و آرزوها. خداوند ثواب ها و پاداش های فراوان برای شخصی که نیازهای برادر مؤمنش را برآورده سازد قرار داده است. شیخ کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی بابی دارد به نام «باب قضاء حوائج المؤمن» که در این باب ۱۴ حدیث آورده است و بابی دارد به نام «باب السعی فی حاجه المؤمن» که در این باب یازده حدیث ذکر فرموده است. البته احادیث دیگری نیز در باب های دیگر در این باره آمده است.

عنوان سعی همین عنوانی است که در این دعا می خوانیم. سعی یعنی شتاب کردن. در حج، سعی بین صفا و مروه است که به معنی با سرعت حرکت کردن است. و در قرآن آمده: «وَجَآءَ مِنْ اَقصَی الْمَدِینَهِ رَجُلٌ یَسْعَی ؛(۷۶) «و از دورترین نقطه شهر مردی شتابان آمد».

یعنی این مرد وقتی که پیامبران در معرض خطر بودند با شتاب حرکت می کرد تا از این ها دفاع نماید. در آیه دیگر می فرماید: «وَجَآءَ رَجُلٌ مِنْ اَقْصَی الْمَدِینَهِ یَسعَی قَالَ یَا مُوسَی إِنَّ القَوْمَ یَأتَمِرُونَ بِکَ لِیَقْتُلُوکَ»؛(۷۷) «و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! همانا این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند».

در حاجت مؤمن سعی و تلاش شرط است و اگر کسی در برآوردن حاجت مؤمن سعی و تلاش کند هرچند

حاجت او برآورده نشود ثواب و پاداش به او تعلق خواهد گرفت. و در این زمینه احادیث بسیار است که به چند روایت بسنده می کنیم:

۱ - صدقه حُلوانی می گوید: در حال طواف بودم، یکی از برادران دینی به من رسید و گفت: دو دینار قرض می خواهم.

به او گفتم: کناری بنشین، وقتی طوافم تمام شد به تو می دهم، وقتی در شوط ششم یا هفتم بودم، امام صادق علیه السلام وارد طواف شدند. امام علیه السلام هنگام طواف دستشان را بر شانه من گذاشتند. من به احترام امام صادق علیه السلام طواف را ادامه دادم و بعد از اتمام طواف خارج نشدم. آن شخص چون امام را نمی شناخت به من اشاره نمود. امام علیه السلام به من فرمود: گویا این شخص به تو اشاره می کند. من عرض کردم: آری او مقداری از من قرض می خواهد و من به او گفتم کناری بنشیند تا طواف من تمام شود و هم اکنون طواف من تمام شده و من به احترام شما از طواف خارج نشدم. حضرت فرمودند: به سرعت برو خواسته اش را برآورده کن. من هم به طرف آن شخص رفتم و حاجت او را برآورده نمودم. بعد از دو سه روز خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت با اشخاص گفت و گو می کردند که تا چشمشان به من افتاد سخن خود را با آن ها قطع نمود و فرمودند: «لَئِنْ اَسعَی مَعَ اَخٍ لِی فِی حَاجَه حَتّی تُقضَی اَحَبُّ اِلَیَّ مِنْ اَنْ اُعتِقَ اَلفَ نَسِمَه وَاَحمِلَ عَلَی اَلفِ فَرَسٍ فِی سَبیلِ اللَّه مُسرِجَه مُلجَمَه؛(۷۸) اگر من در حاجت و خواسته مؤمنی اقدام کنم تا حاجت او برآورده شود برای من خوش تر

از آن است که هزار بنده در راه خدا آزاد کنم و هزار اسب زین و لجام شده (و آماده نبرد) انفاق نمایم».

آزاد نمودن بنده در اسلام بسیار مهم است. خداوند می فرماید: «فَلَا اقْتَحَمَ العَقَبَةَ * وَمَا أَدرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُّ رَقَبَه * أَوْ إِطعَامٌ فی يَوم ذِی مَسغَبَةٍ»؛(۷۹) «ولی او از آن گردنه مهم نگذشت و تو چه دانی که آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده ای یا غذا دادن در روز گرسنگی».

حال اگر هزار برده را در راه خدا آزاد کند چه ثوابی دارد؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: برآوردن حاجت مؤمن برای من خوشایندتر است از آزاد نمودن هزار بنده.

۲ - امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ سَعَی فی حَاجَه اَخيهِ المُسلِم فَاجتَهَدَ فِيها فَأَجْرَى اللَّه عَلَى يَدَيهِ قَضَاءَهَا كَتَبَ اللَّه عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّه وَعُمرَه وَاعْتِكَافُ شَهْرَينِ فِى المَسْجِدِ الحَرام وَصِيامَهُما وَاِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَلَم يَجرِى اللَّه قَضَائَهَا عَلَى يَديهِ كَتَبَ اللَّه عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّه وَعُمرَه؛(۸۰) هر آن که در جهت برآورده شدن خواسته برادر مسلمانش تلاش کند تا خداوند آن را به دست او برآورده سازد خداوند یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام با روزه آن ها را برایش بنویسد و اگر برای برآورده نمودن حاجت برادر مؤمنش تلاش نمود ولی خداوند بوسیله او حاجت آن مؤمن را برآورده نکرده، خداوند به او ثواب یک حج و یک عمره می دهد».

مثلاً اگر کسی برای ضمانت به صندوق قرض الحسنه رفت امّا گفتند: شما چون ضامن چند نفر شده ای دیگر نمی توانی ضامن کسی بشوی! این شخص هر چند موفق نشده تا حاجت برادرش را برآورده کند ولی خداوند به او

ثواب یک حج و یک عمره می دهد.

حج کردن چقدر زحمت دارد؟ ولی خداوند در مقابل یک عمل کوچک چنین ثوابی به انسان می دهد هر چند حاجت او برآورده نشود.

۳ - ابو عماره می گوید: «کَانَ حَمّادُ بنِ اَبی حَنیفَه إذا لَقِیَنی قَالَ: کَرِّرْ عَلَیَّ حَدیثَکَ فَاُحَدِّثُهُ قُلتُ: رُوِّینَا اَنَّ عَابِدَ بَنی اسْرائیلَ کَانَ إذا بَلَغَ الغَایَه فی العِبَادَه صَارَ مَشّائاً فی حَوائِجِ النَّاسَ عانِیاً بما یُصلِحُهُمْ؛(۸۱) حمّاد بن ابی حنیفه هرگاه مرا می دید از من می خواست که حدیثم را برای او تکرار کنم و من آن حدیث را می خواندم که: برای ما روایت شده که بالاترین درجه عبادت برای عابدان بنی اسرائیل این بود که در کارهای مردم کمک می کردند و در راه سامان دادن به کارهای آنان (مردم) خود را به زحمت می انداختند».

۴ - در حدیث دیگر آمده است: «مُعَمّرِ بنِ خَلّاد عَن اَبی الحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: اِنَّ لِلَّهِ عِباداً فِی الأرَضِ یَسعَوْنَ فِی حَوائِجِ النَّاسِ هُمُ الامِنُونَ یَومَ القِیَامَه وَمَن اَدْخَلَ عَلَی مُؤمِنٍ سُرُوراً فَرَّحَ اللَّه قَلْبَهُ یَومَ القِیَامَه؛(۸۲) امام موسی بن جعفرعلیه السلام فرمود: خداوند در زمین بندگانی دارد که در برآوردن حاجت مردم کوشش می نمایند، آن ها کسانی هستند که در روز قیامت ایمن خواهند بود و هر کس مؤمنی را شاد نماید خداوند روز قیامت قلبش را شاد خواهد نمود».

حال که تلاش نمودن در قضاء حاجت یک مؤمن چنین ثوابی دارد، برآوردن حاجت رئیس المؤمنین آقا امام زمان علیه السلام چه ثوابی خواهد داشت؟

خواسته های امام عصر «عجّل اللّه فرجه»

حاجت امام زمان«عجّل اللّه فرجه» چیست؟ مقداری از حاجت های امام زمان علیه السلام در دعاهای مخصوص به آن حضرت بیان گردیده است. چون که دعاهایی که هر کسی دارد بیان

خواسته های اوست. چرا که خداوند دوست دارد انسان ها حاجت هایشان را به پروردگارشان عرضه بدارند. خداوند به حضرت موسی علیه السلام خطاب نمود که هر نیازی داری از من بخواه، حتی علوفه گوسفند و نمک غذای خود را از من بخواه.(۸۳) لذا از دعاها می توان فهمید که حاجت امام زمان علیه السلام چیست.

یک قسمت از حوائج، مخصوص به زمان ظهور است، قسمتی دیگر از حوائج مربوط به زمان غیبت است و مقداری نیز به زمان ظهور یا غیبت اختصاص ندارد و همیشه خواسته شده است.

از جمله دعای حضرت است که: «اللَّهُمَّ ارْزُقنَا تَوفیقَ الطَّاعَه وَبُعْدَ المَعصِیَه وَصِدقَ النِّیَه و عِرْفَانَ الحُرْمَه وَاَکرِمنَا بِالهُدَی وَالاستِقَامَه... ».(۸۴) این ها حوائج امام زمان علیه السلام است. آیا فقط خواندن این دعاها کافی است یا باید در تحقق آن خواسته ها سعی و تلاش نمود؟!

امام عصرعلیه السلام برای ما توفیق طاعت و فرمانبرداری از دستورهای الهی و دوری از گناه و نافرمانی و نیّت صادقانه و پایداری در مسیر هدایت و راستگویی و درستکاری و ... را می خواهد، سعی کنیم آن گونه باشیم که خواسته و آرزوی اوست.

یا دعای ماه مبارک رمضان: «اللّهُمَّ أَدخِلْ عَلی اَهلِ القُبُورِ السُّرُورِ... البته تحقق نهایی آن در زمان ظهور است اما حال که در زمان غیبت هستیم نسبت به گرفتاری مسلمانان باید بی اعتنایی نمود؟

یاری کردن مسلمانان در واقع سرعت گرفتن به قضاء حاجت امام زمان «عجّل اللّه فرجه» است.

از همه مهم تر سعی و تلاش در امر دولت کریمه آن حضرت علیه السلام است که در دعای افتتاح حضرت خواسته هایش را این گونه بیان می کند: «اللَّهُمَّ اِنَّا نَرغَبُ اِلَیکَ فِی دَولَه کَریمه تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وَاَهلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاَهلَهُ وَتَجعَلُنَا فِیهَا

مِنَ الـدُّعَاه اِلی طَاعَتِکَ وَالقَادَه اِلی سَبیلِکَ وَتَرزُقُنَا بِهَا کَرامَه الدُّنیَا وَالاخِرَه؛(۸۵) خداوندا! در حقیقت، ما مشتاق دولت کریمه ای هستیم که به وسیله آن اسلام و اهل اسلام را به عزّت و سربلندی رسانی و نفاق و منافقان را خوار و زبون سازی و در آن دولت گرامی ما را از جمله دعوتگران به سوی فرمانبریت و راهبران به مسیر هدایتت قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما روزی فرمایی».

لذا مهم ترین کار برای برآوردن حاجت آن حضرت علیه السلام فراهم کردن مقدمات ظهور آن سرور است. عملی که می تواند مقدمات ظهور را فراهم کند تقوا و ترک محرمات و انجام واجبات و مستحبات و نیز خواندن زیارت عاشورا و گریه کردن برای امام حسین علیه السلام است که یکی از حوائج امام زمان علیه السلام خونخواهی برای جدّ غریبش حسین علیه السلام و ما در زیارت عاشورا می خواهیم که جزء کسانی باشیم که به خونخواهی سیّد الشهدا برخیزیم. «أَنْ یَرزُقَنِی طَلَبَ ثَارِکُم مَعَ اِمَامٍ هُدًی ظَاهِرٍ نَاطِقٍ ِبِالحَقِ مِنکُم».

امیدواریم خداوند ما را در شمار سرعت گیرندگان در قضاء حوائج امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

در عصر حضور ائمه اطهارعلیهم السلام افرادی بودند که اهتمام زیادی داشتند که حوائج امام علیه السلام را برآورده سازند.

مردی از اهالی ری

شخصی از اهالی شهر ری چنین نقل کرده که مبلغ سنگینی به عنوان مالیّات بدهکار بودم که اگر آن را می پرداختم فقیر و مستمند می شدم، و از دستگاه حکومت بیمناک بودم که مبادا زندانی شوم یا آسیبی به من رسد. بالاخره تصمیم گرفتم که به سفر حج بروم و به خدا پناه ببرم و از امام زمانم حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام چاره جویی

کنم.

هنگامی که به محضر آن حضرت شرفیاب شدم و جریان را به عرض رسانیدم. امام علیه السلام به فرماندار چنین نوشتند: «بِسمِ اللَّه الرَّحمنِ الرَّحیم اِعلَم اِنَّ للَّهِ تَحتَ عَرشِهِ ظِلّاً لایَسکُنُهُ إلّا مَن أسدَی اِلی أَخیهِ مَعرُوفاً أَو نَفَّسَ عَنهُ کُربَه أَو أَدخَلَ عَلی قَلبِهِ سُرُوراً وَهذا أَخُوکَ وَالسَّلام؛ بدان که در حقیقت خداوند زیر عرش خویش سایبان رحمتی دارد که در آن جای نمی گیرد مگر کسی که به برادر خود نیکی نماید یا غم و اندوهی از او بردارد یا بر دل او سرور و خرسندی وارد سازد و این برادر توست و السلام!».

این شخص به شهر خود بازگشت و به در خانه فرماندار رفت. به فرماندار خبر دادند که شخصی پیامی از طرف امام موسی بن جعفرعلیه السلام برای تو آورده است. سراسیمه به استقبال آن شخص آمد و او را با احترام به داخل خانه برد، نامه را از او گرفت، بوسید و خواند. سپس ابتدا هرچه داشت به طور مساوی با او تقسیم کرد، آن گاه گفت: دفتر مالیّات را بیاورید، هنگامی که دفتر را آوردند تمام مالیّات را از آن شخص برداشت و نوشته ای به او داد که هیچ گونه مالیّات برعهده او نیست.

آن شخص گوید: به منظور جبران محبت های فرماندار تصمیم گرفتم سفر دیگری به حج بروم تا در موسم برایش دعا کنم. وقتی به خدمت آقا موسی بن جعفرعلیه السلام شرفیاب شدم و جریان را نقل کردم، آن حضرت فرمود: به خدا قسم این سرور و خوشحالی را بر ما وارد ساخت و امیرمؤمنان علیه السلام را خوشحال کرد، به خدا سوگند جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله را خرسند

نمود و البته خداوند را مسرور ساخت.(۸۶)

این شخص از افرادی است که جزء مسارعین در قضاء حاجت امام علیه السلام است. ما نیز باید چنین باشیم، دست افتادگان را بگیریم. اگر جوانی به خاطر مشکلاتی به گناه مبتلاست، دست او را بگیریم و ... .

و نیت کنیم که به جهت امام زمان علیه السلام این کار را انجام دهیم.

و طوری نباشد که به وسیله سستی نسبت به قضاء حاجت امام علیه السلام موجبات خسران خود و دیگران را ببار آوریم. تاریخ بهترین عبرت است، چرا که اگر بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه وآله علی علیه السلام را یاری می نمودند، نه خود به آن فلاکت می افتادند و نه ما این گونه در سختی قرار داشتیم. بعد از ایشان نیز همین طور، اگر به یاری امام حسن علیه السلام می شتافتند، این همه خون ناحق ریخته نمی شد، دین به مخاطره نمی افتاد، این همه حدیث جعل نمی شد. معاویه بر سرنوشت اسلام و مسلمین دست نمی یافت و این همه کجروی را بنیان نمی نهاد. در جریان کربلا همین طور بود، وقتی امام حسین علیه السلام از مدینه حرکت نمودند چند نفر با امام علیه السلام بودند؟ از مکه حرکت نمودند چند نفر با ایشان حرکت نمودند؟ در بین راه چند نفر به ایشان ملحق شدند؟

در شب عاشورا هم عدّه ای از حضرت جدا شدند. تا این که هفتاد و دو نفر باقی ماندند،(۸۷) بنابر روایتی هم از امام باقرعلیه السلام هشتاد و چند نفر باقی ماندند، بنابر قول دیگر که بالاترین قول است صد وچهل نفر ماندند. خوب بقیه مردم کجا بودند؟ شیعه های دنیا همین افراد بودند؟ پس بقیه چه شدند؟

هجده هزار نفر فقط با حضرت مسلم بیعت کردند.

هفده هزار نفر آن ها به کنار، هزار نفر دیگر کجا بودند وقتی که امام علیه السلام استغاثه می نمود؟

الآن هم هرچه دوران غیبت طولانی تر شود گرفتاری شیعه ها نیز بیشتر می شود. آیا انتظار داریم عصر غیبت باشد و وضع شیعه بهتر شود؟ باید توجه داشته باشیم که یکی از شباهت های امام زمان علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام این است که: «وامَّا مِنْ یُوسُفَ فَالسِّجنِ وَالغیبَه؛(۸۸) امام زمان علیه السلام در زندان غیبت است». اگر پدر شخصی در زندان باشد، آن شخص چه حالی دارد؟ اگر یک روز پدر من و شما در زندان باشد چه حالی داریم؟ بیش از هزار و صد سال است که امام زمان علیه السلام در زندان غیبت بسر می برد! ما اگر یک وقتی یادمان بیفتد می گوییم: ان شاء اللّه امام زمان علیه السلام ظهور کند. آن طور که باید شیعه تشنه امام زمان خود باشد، نیستیم. گاهی اوقات هم بعضی ها در مورد حضرت علیه السلام در ورطه (مهلکه) افراط و تفریط می افتند، بعضی ها فکر می کنند که امام زمان علیه السلام که ظهور می کند از دم همه را می کشد، اموال را مصادره می کند، و ...، و در مقابل بعضی ها می گویند: شمشیر سمبل قدرت امام زمان علیه السلام است.امام علیه السلام هرگز کشتاری ندارد و ...! هر دو تفکر باطل و غلط است. چرا که در مورد تفکر اوّل روایاتی داریم که تصریح می نمایند که امام زمان علیه السلام شبیه ترین افراد به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. و صفت بارز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله صبر و عطوفت و گذشت نسبت به گناهکاران است. و در زیارت آل یس می خوانیم: «و الغوث و الّرحمه الواسعه...» .(۸۹) و در مقابلِ تفکّر دوم نیز

روایـاتی وجود دارد که آن حضـرت علیه السـلام جنـگ هـای متعـدد خواهـد داشت از جمله این که آن حضـرت ذرّیه قاتلان اباعبداللَّه علیه السـلام را خواهد کشت، زیرا که آن ها به کردار پدران خود راضـی و خرسند هستند و همان روش را دنبال می کنند.(۹۰) لذا سستی هایی که در تاریخ نسبت به ائمه اطهارعلیهم السلام بوده ما را عقب انداخته است.

فرمانبری از امام زمان علیه السلام

اللّهُمَّ اجْعَلنِی مِنْ.... وَالمُمْتَثِلِینَ لِاَوَامِرِهِ خداوندا! مرا از کسانی قرار بده که اوامر او را

امتثال می کنند و انجام می دهند.

یکی از وظایف اصـلی ما فرمانبری از امر امام زمان علیه السلام است زیرا که ما مصلحت خود را نمی دانیم و باید تسلیم دستور خداوند باشیم که حجّت خدا برای ما بیان می نماید.

عالم پارسا مرحوم شـیخ زین العابدین سلماسی (متوفای ۱۲۶۶ ه.ق) چنین حکایت کرده است: میرزای قمی (از علمای برجسـته شیعه) به منظور زیارت ائمه عراق و حجّ بیت اللَّه الحرام به نجف اشـرف رفته بود، یک روز برای دیدار مرحوم علّامه بحرالعلوم به مجلس درس ایشان حاضر شد. وقتی کسانی که برای استفاده از سیّد بحرالعلوم حاضر شده بودند - که تعدادشان از صد نفر بیشـتر بـود - پراکنـده شدنـد و فقـط مـن و سه نفر از خـواصّ او که در برترین درجه درسـتکاری و پرهیزگـاری و اجتهـاد قرار داشـتند، مانـدیم. میرزای قمی به سیّد بحرالعلوم خطاب کرد و گفت: شـما که هم فرزند جسـمانی این ذوات مقدسه هم فرزند روحانی آن ها هستید و به قرب ظاهری و باطنی نایل آمده اید. از کراماتی که از ایشان به شما رسیده است برای ما بیان نمایید. علامه بحر العلوم بدون تأمل فرمود: من شب گذشته [- یا دو شب قبل -

تردیـد از راوی است برای انجـام نـافله شب به مسـجد کوفه رفته بودم و تصـمیم داشـتم اوّل صـبح به نجف بازگردم که جلسـه مباحثه و مذاکره تعطیل نشود [و سالیانی بود که برنامه سیّد همین بود] وقتی از مسـجد بیرون آمدم شوق رفتن به مسـجد سـهله در دلم افتاد ولی خیال و فکر خود را از آن منصرف کردم زیرا بیم آن داشتم که پیش از صبح به نجف نرسم و مباحثه آن روز تعطیل شود. امّا شوق مسجد سهله پیوسته در دلم فزون تر می گشت و دلم میل به رفتن بدانجا داشت.

در این اثنـاء که مردّد بودم بـادی وزیـد و غباری برخاست و مرا از راه به آن طرف متمایل ساخت و حرکت داد. طولی نکشـید که مرا بر در مسـجد سـهله انداخت! داخل مسجد شدم، دیدم از زوّار و عبّاد خالی است، جز شخص جلیلی که مشغول مناجات بـا خداونـد بـود و کلمـاتی می گفت که دلم را دگرگون و چشـمم را گریـان می سـاخت، از شـنیدن آن کلمـات که هرگز به گوشم نخورده و در کتابی ندیـده بودم حال من متغیر و دلم از جا کنـده شد و زانوهایم مرتعش و اشـکم جاری گردید، آن ها غیر از دعاهـای مأثوره بود که به دست ما رسـیده است و دانسـتم که مناجات کننـده، آن کلمات را انشاء می کنـد نه آن که از محفوظات خودش بخوانـد. پس در جای خود ایسـتاده و به آن کلمات گوش دادم و لذّت می بردم تا آن که از مناجات، فارغ شد و التفاتی به من کرد و به زبان فارسی به من فرمود: مهدی بیا! پس چند گامی پیش رفتم و ایستادم. باز

امر فرمود که پیش روم. منهم اندکی رفتم و توقّف نمودم. باز امر فرمود که پیش بروم و فرمود: «انّ الادب فی الامتثال؛البته ادب در فرمانبرداری است». من پیش رفتم تا آنجا که دست آن جناب به من و دست من به آن جناب می رسید و تکلّم فرمود به کلمه ای.

مرحوم سلماسی می گوید: کلام سیّد که به اینجا رسید یک دفعه از این رشته سخن دست کشید و اعراض نمود و شروع کرد به جواب دادن از سؤالی که محقّق قمی قبل از این از سیّد کرده بود که چرا با آن علمیّت کامل و وسعت اطّلاع، تصانیف ایشان کم است. میرزای قمی (باز مطلب را عوض کرد و) از آن کلام خفی سؤال نمود. سیّد بحر العلوم با دست اشاره کرد که نه، این سرّی است ناگفتنی.(۹۱)

لذا خود پیامبرصلی الله علیه وآله همان کاری را انجام می دهد که خداوند فرموده است بدون چیزی کم و زیاد. خداوند می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنهُ الْوَتِينَ»؛(۹۲) «اگر یک حرف از خود بخواهد بگوید و به ما نسبت دهد رگ گردنش را می زنیم». این تهدید برای دیگران است وگرنه پیامبرصلی الله علیه وآله که معصوم است و تا معصوم نباشد خداوند او را به عنوان پیامبر انتخاب نمی کند.

مبادا نسبت به دستورهای پیشوایان دین از خودمان اظهار نظر کنیم و آن ها را تغییر دهیم. در دعاهای مأثوره از ائمه علیهم السلام چیزی کم و زیاد نکنیم.

عبدالّله بن سنان - یکی از محدّثان بزرگ - به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد. ضمن بیان سختی ها و شبهه های دوران غیبت امام زمان علیه السلام فرمودند:

از آن شبهه نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند. عرضه داشت: یابن رسول اللّه دعای غریق چگونه است؟ حضرت علیه السلام فرمود: «یَا اللّهُ یَا رَحمنُ یَا رَحیمُ یَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبِّتْ قَلبِی عَلَی دِینِکَ».

راوی دعا را چنین خواند: «یَا اللّه یَا رَحمنُ یَا رَحیمُ یَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ وَالَابصَارِ ثَبِّتْ قَلبی عَلَی دَینِکَ».

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند مقلب القلوب و الابصار است امّا آن گونه که من می گویم بگو.(۹۳)

لذا تشخیص ما در احکام دین و فروعات صحیح نیست چون ما مصالح را نمی دانیم. پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: نماز مستحبی را نمی شود به جماعت خواند ولی عمر گفت: بیایید نماز را به جماعت بخوانیم و بعد گفت: بدعه و نعم البدعه! یعنی: بدعت است اما خوب بدعتی است!

ما که شیعه هستیم باید مواظب باشیم همان گونه که گفته اند عمل کنیم و جزء کسانی نباشیم که خدای ناکرده عملی را سر خود انجام دهیم.

سه فرمان امام عصر«عجّل اللّه فرجه»

توضیح

در اینجا به بیان سه فرمان امام زمان علیه السلام که در زمان غیبت صغری صادر شده است، می پردازیم.

۱ – تقلید

یکی از اوامر امام زمان علیه السلام که در توقیع شریف از آن حضرت صادر شده است مربوط به تمام اعمال ماست. ایشان می فرماید: «وَامَّا الحَوادِثُ الوَاقِعَه فَارجِعُوا فِیهَا إلَی رُواه أَحادِیثِنا فَإِنَّهُمْ حُجَّتی عَلیکُمْ وَأَنَا حُجَّه اللّهِ؛(۹۴) در رویدادهایی که واقع می شود در حکم آن به کسانی که راویان احادیث ما هستند (یعنی مجتهد هستند) مراجعه نمایید»

البته فقط در احکام فرعی، چون در اصول دین و فروعات، تقلید جایز نیست.

۲ – دعا برای تعجیل فرج

دیگر از اوامر آن حضرت در پایان این توقیع می فرماید: «واکثروا الدعآء بتعجیل الفرج؛(۹۵) برای فرج من زیاد دعا نمایید». یعنی هر روز، هرشب، بعد از هر نماز، قبل از هر نماز، در مجالس عزاداری، در حج در عمره و ... .

و این توفیقی است که نصیب بعضی از افراد می شود وگرنه اکثر مردم غافلند و دنبال دنیا و مادّیات هستند و تمام فکر و ذهنشان را دنیا پرکرده است.

۳ – زیارت آن حضرت«عجّل اللّه فرجه»

همچنین از اوامر آن حضرت علیه السلام نسبت به خواندن زیارت آل یاسین است. آن حضرت علیه السلام در ابتدا می فرماید: «لاَمرِهِ تَعقِلُونَ وَلا مِنْ اَولِیائِهِ تَقبَلُونَ؛ نه امر او (خداوند) را در می یابید و نه از اولیای او می پذیرید»، هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند توجّه کنید و به ما روی آورید، پس همان گونه که خداوند متعال فرموده است بگویید: سلام علی آل یس... .

پشتیبانی از امام زمان علیه السلام

اللّهُمَّ اجْعَلنِی مِنْ....وَالمُحَامِینَ عَنْهُ خداوندا مرا از....و از هواداران او (قرار ده)

محامی: حمایت کننده از روی شوق و عنایت و پشتیبان و هوادار و نگهبان را گویند و جمع آن محامین است.

امروزه در کشورهای عربی وکیل دادگستری را محامی نامند؛ زیرا که از حقوق موکّل خود حمایت کرده و از منافع وی دفاع می نماید و به طور کلّی پشتیبان او شناخته می شود.

و نیز پاسدار و محافظ شخصیّت ها را، حمایه می خوانند که نگهبانی و مراقبت دارد تا مبادا صدمه و آسیبی به آن شخصیّت برسد.

فرق بین حمایت و حفاظت آن است که حمایت در جایی است که مراقبت محصور نباشد و آفت ها و آسیب های احتمالی نامحدود باشد، مانند: زمین و شهر که گویند: «هو یحیی الارض و البلد؛ او شهر و زمین را نگهبانی می کند».

امّا حفاظت در موردی است که می توان آن را محدود و محصور ساخت که گویند: فلانی از پول و کالای خویش محافظت می کند و نمی گویند: فلانی زمین و یا شهر را محافظت می نماید، مگر کسی که عامی باشد و کلمات را در جای خود به کار نبرد.(۹۶)

حمایت و نگهبانی از دین و پشتیبانی از اولیای دین از مهم ترین وظایف ایمان است که به حکم عقل

و شرع ثابت می باشد.

عقاید و احکام و سنّت های دینی به سبب حمایت و هواداری و نگهبانی و مراقبت مؤمنان با اخلاص پایدار است و شرارت باطل جویان و کجروان و شبهه انگیزی بداندیشان و نابخردان همواره با تلاش حامیان و هواداران دین دفع گردیده است.

تمامی پیامبران به حمایت از دین برخاسته اند و همه امامان محامی و نگهبان دین بوده اند و در این راه رنج ها و سختی های فراوان کشیده اند. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَالذّادَةِ الحُماةِ ؛ (سلام بر شما...) مدافان حمایتگر...».

پشتیبانی از امام عصر «عجّل اللَّه فرجه» در حقیقت طرفداری از حق پرستی و هواداری از عدل و داد و نگهبانی از فضیلت و نیک اندیشی و حمایت از درستکاری و پاسداری از حریم تقوا و پرهیزگاری است و جانبداری از حقوق خدا و رسول و ائمه اطهارعلیهم السلام و اهتمام به حقوق مستضعفین و مظلومین است.

خداوند متعال در قرآن کریم حامیان دین و مدافعان اولیای دین را ستوده است. از جمله راجع به مؤمن آل یاسین فرماید: «وَجَآءَ مِنْ أَقْصی المَدِینَهِ رَجُلٌ یَسْعَی قَالَ یَا قَوْمِ اتَّبِعُوا المُرْسَلِینَ...»؛(۹۷) «از دورترین نقطه شهر (راد) مردی با ایمان در حالی که شتاب می کرد آمد و گفت: ای قوم من! از فرستادگان (خداوند) پیروی نمائید از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند و چه دلیلی دارد که من کسی که مرا پدید آورده است را پرستش نکنم! و حال آن که به سوی او باز گردانده می شوید؟ آیا به جز او معبودانی برگیرم که هرگاه خداوند رحمان بخواهد زیانی به من رساند شفاعت آن ها هیچ سودی برایم نخواهد داشت و مرا (از گرفتاری) نجات

نخواهنـد داد؟! اگر چنین کنم در گمراهی آشـکاری خواهم بود، من به حقیقت به پروردگارتـان ایمان آوردم پس سـخنان (و راهنماییهای) مرا شنوید...».

و دربـاره مؤمن آل فرعون فرمایـد: «وَقـالَ رَجُـلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمـانَهُ... .»؛(۹۸) «و مردی مـؤمن از آل فرعـون که ایمان خویش را پنهان می داشت چنین گفت: آیا مردی را بـدین سـبب می کشـید که می گویـد: پروردگار من (اللّه) است! و حـال آن که دلایـل روشـنی از سوی پروردگارتـان برایتان آورده است؟! پس اگر دروغگو باشـد دروغش دامنگیر خودش می شود و اگر راسـتگو باشـد (دست کم) قسـمتی از عـذاب هایی را که وعـده می دهـد به شـما خواهد رسـید. خداونـد کسـی که اسراف کار و دروغگو است را هدایت نمی کند».

حامیان بزرگ دین

مهـم ترین حـامی و پشتیبـان پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله در برابر مشـرکان جنـاب ابوطـالب علیه السـلام عمـوی گرامی آن حضرت بوده است.

فرزنـدان برومنـد ابو طالب علیه السـلام نیز شـیوه پـدر را پیش گرفتند و تمام عمر به حمایت و دفاع از حریم دین و هواداری از پیامبرصـلی الله علیه وآله پرداختنـد، به خصوص مولاـی متّقیان علی علیه السـلام که فـداکاری های آن حضـرت غیر قابل انکار است.

از حمـایت هـای مهم و افتخـار آمیز در تاریـخ اسـلام حمایت و پشتیبانی حضـرت ابوالفضل العبّاس علیه السـلام از امام زمان و برادر بزرگوار خویش حضرت ابی عبداللّه الحسین علیه السلام است.

آن چنان حمایت کرد که دست هایش از بـدن جـدا شـد و تیر بسـیار بر پیکرش وارد آمـد. هنگامی که دست راسـتش را جدا کردند چنین فرمود:

واللّه إن قطعتموا یمینی إنّی احامی أبداً عن دینی وعن امام صادق الیقینِ نجل النّبیّ الصادق الأمین(۹۹)

به خدا سوگند که اگر دست راستم را قطع کردید من تا آخرین نفس از

دینم حمایت می کنم.

از امامی پشتیبانی دارم که راست یقین است، آن فرزند پیامبر راستین امانتدار می باشد.

و در زیارت آن حضرت آمده است: «فَنِعمَ الصَّابِرُ المجَاهِدُ المحامِی النّاصِر وَالاَخِ الدّافِع عَن اَخیهِ؛(۱۰۰) پس چه نیکو صبر کننده جهادگر، پشتیبان یاور و برادری که از برادر خود کاملاً دفاع نمود».

ما هم خطاب به مولای عزیزمان حضرت بقیه اللّه «عجّل اللّه فرجه» عرضه می داریم: «بأبی أنت وأمّی ونفسی لک الوقآء والحمی؛(۱۰۱) پدر و مادرم به فدایت و جانم بلا گردان و حمایت کننده تو باد!»

پیشتازی به خواسته امام زمان علیه السلام

وَالسّابِقینَ اِلی اِرادَتِه از پشتازان به سوی خواسته او (قرار ده)

اراده بزرگ و خواسته مهمّ حضرت ولیّ عصر «عجّل اللّه فرجه» برقراری حکومت عدل و داد و زدودن و ریشه کن ساختن ظلم و فساد است که خداوند متعال آن حضرت را برای انجام این برنامه سنگین برگزیده و ذخیره نموده است.

هر آن که در اجرای این برنامه سبقت گیرد و زودتر از دیگران با آن حضرت همراهی کند بی شک نزد خداوند پاداش بیشتری خواهد داشت.

همان طور که سابقین صحابه پیامبرصلی الله علیه وآله نسبت به سایرین ممتاز بوده اند و نزد خداوند منزلت و مقام بلندتر و پاداش فزون تری دارند، به طور کلّی پیشتازان به کارهای نیک و اجرای دستورهای الهی مرتبه ای والاتر دارند و نزد خداوند مقرّبترند. چنان که می فرماید: «والسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولئِکَ المُقَرَّبُونَ»؛(۱۰۲) «پشتازان پیشگام، آنانند که مقرّبانند»

نیز فرماید: «والسَّابِقُونَ الاَوَّلُونَ مِنَ المُهَاجِرینَ وَالاَنْصَارِ وَالّذینَ اتَّبَعُوهُمْ بِاِحْسِانٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...».(۱۰۳)

«و پیشتازان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، خداوند از آنان خشنود گشت و آنان از خداوند خشنودند و بوستان هایی از بهشت

برای ایشـان فراهم سـاخته است که نهرهـا از زیر درختانش جاری می باشـد، جاودانه در آن خواهنـد مانـد و این است پیروزی بزرگ!»

همچنین خداوند متعال مؤمنان را به سـبقت جسـتن در کارهای نیک و صـفات پسـندیده تشویق و ترغیب فرموده است: «سَابِقُوا إِلَی مَغْفِرَهٍ مِنْ رَبِّکُمْ... .»؛(۱۰۴) «سبقت جویید (و به پیش تازید) برای رسیدن به آمرزشی از پروردگارتان... ».

«فاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ»؛(۱۰۵) «پس به نیکی ها (بر یکدیگر) سبقت جویید».

و دعـای مؤمنان را برای پیشـگامان به ایمان که حاکی از کردار پسـندیده ایشان است بازگو فرموده است: «یَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذینَ سَبَقُونا بِالْإِیمَانِ»؛(۱۰۶) «می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت داشته اند بیامرز».

گفتنی است که: مقام اوّل سابقین به امیرمؤمنان علی علیه السـلام اختصاص دارد که آن حضرت نخستین کسی است که از دل و جان به نبوّت و رسالت پیامبرصلی الله علیه وآله گروید و گواهی داد و با خلوص نیّت به دفاع از حریم آن جناب پرداخت.

و همـان گونه که پیش کسوتـان و سـبقت جویـان به ایمـان و اعتقـاد به پیامبرصـلی الله علیه وآله و یـاران نخستین آن حضـرت مقامی برتر و درجه ای بلندتر کسب کرده اند، همچنین سابقین در اجابت دعوت امام عصـرعلیه السـلام و پیشـگامان در اجرای خواسته آن حضرت، مرتبه بیشتر به دست می آورند و نزد خداوند قرب و منزلت فزون تری دارند.

بنابراین باید سـعی کنیم که در تقوا و درسـتکاری و عبادت سبقت گیریم و در عمل به احکام قرآن و تحصیل معارف و حقایق آن و اهتمام به دعا برای تعجیل فَرَج - که مهم ترین خواسته های امام علیه السلام است - پیش قدم باشیم.

مولای متّقیان علی علیه السلام در وصیّت نامه

خود چنین فرمود: «واللّه اللّه فی القرآن لایسبقکم بالعمل به غیرکم؛(۱۰۷) از خداوند پروا کنید، از خدا بترسید در باره قرآن، مبادا دیگران با عمل به آن بر شما پیشی بگیرند».

مبادا افراد غیر مسلمان با عمل به احکام قرآن و پیشه ساختن آیین مسلمانی در زندگانی خویش موفق تر از ما شوند و ما از آنان عقب تر باشیم.

خدا نکند که راستگویی و امانتداری از میان ما رخت بربندد ولی بیگانگان به آن پایبند باشند و چنین پندارند که در آیین اسلام کاستی هست و بر پیروان اسلام خرده گیری کنند، غافل از این که:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست در مسلمانی ماست در پایان این بخش نظر خوانندگان عزیز را به یک حدیث شریف در رابطه با عبادت در عصر غیبت جلب می کنم:

عبادت در عصر غیبت

عمّار ساباطی گوید که به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: کدام یک بهتر است؛ عبادت پنهانی با امام غایب از شما در دولت باطل یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امام آشکار از شما؟

فرمود: ای عمّار! به خدا که صدقه در سرّ (پنهان) از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنتان و یا صلح با او، بهتر است از کسی که خدای - عزّوجلّ - را در زمان ظهور حق با امام بر حق ظاهر در دولت حق عبادت نماید و عبادت توأم با ترس در دولت باطل همچون عبادت و امنیّت در دولت حق نیست.

بدانید که هر کس از شما در این زمان نماز واجب خود را

در وقتش به جماعت و به طور کامل بجای آورد و از دشمنش کتمان نماید. خداوند ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده شده را برای او بنویسد و هر یک از شما که در این زمان نماز واجبش را فُرادی و در وقت خود به طور کامل و درست ادا نماید، خداوند – عزّوجلّ – ثواب بیست و پنج نماز واجب فُرادی برای وی بنویسد و هرکدام از شما که یک نافله را در وقتش به طور کامل بجای آورد، خداوند برایش ثواب ده نماز نافله بنویسد و هر کس از شما کار نیکی انجام دهد خدای – عزّوجلّ – چند برابر خواهد ساخت، به شرط این که حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود تقیّه را به کار بندد و زبانش را حفظ کند، همانا خدای – عزّوجلّ – کریم است.

عرضه داشتم: فدایت شوم به خدای قسم مرا بر عمل تشویق فرمودی و برانگیختی ولی دوست دارم بدانم چگونه است که ما اعمالمان از اعمال اصحاب امامی که ظاهر باشد در دولت حق بهتر است و حال آن که همه یک دین داریم؟ فرمود: شما در گرویدن به دین خدای – عزّوجلّ – و به نماز و روزه و حج و به هر کار نیکی و دانشی و به عبادت خدای– عزّ ذکره – پنهانی از ترس دشمنتان از آنان پیشی گرفته اید. با امام پنهان شده خود و مطیع او هستید و مانند او صبر می کنید و به انتظار دولت حق به سر می برید در حالی که بر امامتان و بر جانتان از زمامداران ستمگر می ترسید. حقّ امامتان و

حقوق خودتـان را در دست سـتمگران می بینیـد که از دست شـما گرفته و به کشت دنیا و کسب معاش وادارتان نموده انـد. با وجود صبر شـما نسـبت به دین و عبادتتان و اطاعت امامتان و ترس از دشمنتان. پس به این خاطر است که خداوند - عزّوجلّ - ثواب اعمالتان را چند برابر قرار داده است که گوارایتان باد.

عرض کردم: قربانت گردم، بنابراین (به نظر شـما) آرزو نکنیم این که از اصـحاب قائم باشـیم و حق آشـکار گردد، با این حال که ما امروز در زمان امامت و با اطاعت شما ثواب اعمالمان بهتر از اصحاب حق و عدل می باشد؟

فرمود: سـبحان اللّه آیا دوست نمی داریـد که خداوند تبارك و تعالی حق و عدل را در بلاد ظاهر کند و خداوند وحدت کلمه پدید آورد، خداوند بین دل های مختلف و پراکنده اُلفت دهد

و خـدای - عزّوجلّ - در زمینش معصـیت نشود و حـدودش در خلقش اجرا گردد و خداونـد حق را به اهلش بازگرداند؟ پس حق آشـکار شود تا هیچ قسمتی از حق از ترس احدی از خلق مخفی نماند، به خدا قسم ای عمّار هیچ کس از شما در این حال که شما دارید نمیرد مگر این که نزد خداوند از بسیاری از شهدای بدر و احد بهتر باشد پس شما را مژده باد.(۱۰۸)

شهادت در پیشگاه امام زمان «عجّل اللّه فرجه»

والمُستَشْهَدِینَ بَینَ یَدِیهِ (مرا) از شهید شدگان در پیشگاه او (قرار ده)

درخواست و آرزوی مرگ و نیز خودکشـی به هرگونه که باشد از نظر اسـلام بسیار ناپسند و نامشروع است و آیات و احادیث بر آن دلالت دارد از جمله روایت شده که: رسول خداصلی الله علیه وآله به عیادت بیماری رفتند که حالش سخت

بود و بر اثر آن تمنّای مرگ نمود، رسول خداصلی الله علیه وآله به او فرمود: تمنّای مرگ مکن؛ زیرا که اگر نیکوکار بوده ای، نیکوکاریت را (در آینده) افزایش می دهی و چنانچه بدکردار بوده ای تأخیر افتادن مرگ تو مایه آمرزش و جبران گذشته ات خواهد شد، پس تمنّای مرگ مکنید.(۱۰۹)

و در خبر است که شخصی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: از زندگی دنیا خسته و ملول شده ام، آیا می توانم از خداوند درخواست مرگ کنم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: تمنّای زندگی داشته باش تا اطاعت کنی نه این که معصیت نمایی؛ زیرا که اگر زندگی کنی و طاعت خدای را به جای آوری بهتر از آن است که بمیری و بر اثر آن نه معصیت کنی و نه طاعتی انجام دهی.(۱۱۰)

روایت شده که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام صدای مردی را شنیدند که آرزوی مرگ می کرد. به او فرمودند: آیا بین تو و خداوند نسبتی هست تا به خاطر آن از تو حمایت نماید؟!

مرد گفت: خیر! امام علیه السلام فرمود: بنابراین تو آرزوی هلاکت ابدی را داری.(۱۱۱)

امّا درخواست و آرزوی شهادت از نشانه های کمال ایمان و یقین و شیوه مؤمنان راستین است؛ زیرا که آرزوی شهادت حاکی از شوق لقاء اللّه و میزان معرفت و حسن عمل است.(۱۱۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: هر آن که از روی صدق طلب شهادت کند، آن منزلت به او عطاء می شود هر چند که به شهادت نرسد.(۱۱۳)

در دعای امام سجّادعلیه السلام است: «وَنَصیرَ بِهِ فِی نَظْمِ الشُّهَداءِ بِسُیُوفِ اَعدَائِهِ؛(۱۱۴) «(و سپاس خدای را... چنان سپاسی که...) و به سبب آن در رشته شهید شدگان به شمشیر دشمنانش درآییم».

و هم در خصوص

چندین نفر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله – و پیش از همه امیرالمؤمنین علیه السلام – در روایاتی وارد شده که شوق شهادت را اظهار می نمودند و از خداوند تمنّا و از پیامبرصلی الله علیه وآله تقاضا می کردند که برای رستگاری ایشان به مقام والای شهادت دعا کند.

و در وصف یاران حضرت قائم «عجّل اللّه فرجه» روایت آمده که از خداوند درخواست شهادت می کنند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند.(۱۱۵)

با این حال جای شگفتی است که یکی از نویسندگان غربی شهادت طلبی را شبیه انتحار پنداشته است و از سوی دیگر به اسلام نسبت داده که هر کار نیکی که در راه خدا انجام شود (واجبات اخلاقی) همانند شهادت است.(۱۱۶)

در صورتی که در کلمات علما تصریح شده که ثواب شهادت به آنان عطا می شود نه این که عمل آن ها هیچ فرقی با شهادت نداشته باشد.

البته این شبهه یا مشابه آن از قدیم نیز به ذهن برخی از افراد می رسیده و علما به این شبهه ها پاسخ داده اند.

از جمله سیّد رضی فرموده است: مؤمنان نمی خواستند کافران آن ها را بکشند بلکه آرزو می کردند که در راه خدا و در مسیر جهاد بمیرند تا به رضوان الهی نزدیک تر باشند و به ثواب کامل تر او رستگار شوند نه فعل کافرین را که ناپسند و گناه بوده است؛ زیرا که مؤمن را نشاید که آرزوی کفر نماید یا آن را درخواست کند یا به انجام آن از سوی دیگری راضی و خشنود باشد.(۱۱۷)

خلاصه این که: مؤمنان نمی خواهند و راضی نیستند کار ناپسند و گناه نابخشودنی (کشتن مؤمن) به دست کافران اجرا شود، تا این توهّم پیش آید که

مؤمن خود به کشته شدنش اقدام یا کمک کرده و کار او شبیه خودکشی باشد بلکه درخواست شهادت فقط مربوط به سعادت و رستگاری خود آنان است، به همین جهت از میدان جنگ از نبرد سخت با دشمن و استقامت در دفاع از حریم دین و جان و مال خود و سایر مؤمنین فروگذار نمی کنند و کوتاهی ندارند و اگر هدف آنان تنها کشته شدن به دست کفّار بود هیچ مقاومتی نمی کرد.

شهادت طلبی نمی بایست شخص را به سبک سری و بی باکی برانگیزد و به خودسری و شتابزدگی وادارد.

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بر زمین استوار بمانید و در تحمّل سختی ها استقامت کنید و دست ها و شمشیرهایتان را به خواسته های زبانی خود حرکت ندهید و به آنچه خداوند شتاب در آن را برشما لازم ننموده است شتاب مکنید که هر یک از شما در حالی که حق پروردگار و حق رسول و اهل بیت او را شناخته باشد بر بستر خود بمیرد شهید مرده است و پاداش او بر خداوند است و سزاوار پاداش کار نیکی است که در نیّت داشته و همان نیّت جایگزین شمشیر کشیدنش خواهد بود. هرچیزی مدّت و سررسیدی دارد.(۱۱۸)

البته گفتنی ها درباره شیوه های یاری امام زمان «عجّل اللّه فرجه» بسیار است که به همین مقدار بسنده می کنم. امید آن که این کمترین خدمت مورد قبول درگاه خداوند و پسند مولایم حضرت بقیه اللّه «عجّل اللّه فرجه» بوده باشد، و مایه تذکّر مؤمنان و ترغیب و انگیزش بیشتر منتظران گردد.

با تشکر و تقدیر از همه عزیزانی که در انجام این اثر به هرگونه مرا یاری نمودند.

اوّل رجب الاصب / ۱۴۲۷

سیّد مهدی حائری قزوینی واصلی

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱

- قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی ۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی ۲۶

- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۷ - امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری ۳۱ - اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۴۵ - تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۴۷ - تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۵۰ - چهل حدیث /امام

مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی ۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی ۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی ۷۹ - سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی ۸۱ - شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح ۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی ۸۴ - عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ - عطر سیب حامد حجّتی ۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی ۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۹۰ - غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۲ - فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۹۸ - فریادرس حسن محمودی ۹۹ - قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۲ - کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات

مرحوم حسینی اردکانی ۱۰۷ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی ۱۰۸ – مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله ۱۰۹ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۱۱۰ – مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی ۱۱۱ – منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۱۱۲ – منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۱۱۳ – منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ – موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۵ – مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّه حیدری ۱۱۶ – مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۱۷ – مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای ۱۱۸ – مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۱۹ – مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۲۰ – میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۲۱ – ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۱۲۲ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۲۶ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده ۱۲۷ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۲۸ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری ۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۳۳ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام

سید نور الدین جزائری ۱۳۴ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۳۵ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۳۶ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۳۷ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی ۱۳۸ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

پی نوشت ها

۱) مصباح الزائر، ص ۲۳۵؛ مکیال المکارم (ترجمه فارسی)، ج ۲، ص ۲۳۰؛ مفاتیح الجنان باب سوم.

۲) دایره المعارف تشیع، ج ۷، ص ۵۳۷.

۳) کتاب الغیبه نعمانی، ۲۹۶.

۴) سوره صف، آیه ۱۴.

۵) سوره فاطر، آیه ۱۵ و ۱۶.

۶) سوره آل عمران، آیه ۱۲۶ / انفال، آیه ۱۰.

۷) سوره محمدعلیه السلام، آیه ۷.

۸) سوره بقره آیه ۲۴۵ / سوره حدید، آیه ۱۱.

۹) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱.

۱۰) دعای تعقیب نماز عصر، مصباح المتهجّد.

۱۱) سوره بقره، آیه ۲۱۴.

۱۲) سوره هود، آیه ۴۳.

۱۳) سوره حاقّه، آیات ۷– ۸ .

۱۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸ .

۱۵) سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۱۶) بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۹ .

۱۷) بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۷.

۱۸) اللهوف ابن طاووس، ص ۴۵، صیدا؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰ – ۳۳۱.

۱۹) الاربعین الحسینیه، ص ۳۹.

۲۰) شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲۱) کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۶۳.

۲۲) سوره آل عمران، آیه ۱۰.

۲۳) سوره انفال، آیه ۱۰.

۲۴) سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲۵) تفسیر عیّاشی،

ج ۲، ص ۲۹۰ .

۲۶) کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲۷) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲۸) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸ و ۱۱.

۲۹) سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

۳۰) سوره انفال، آیه ۱۲.

۳۱) سوره احزاب، آیه ۲۶.

۳۲) سوره حشر، آیه ۲.

۳۳) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۳۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۳۵) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

۳۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰

۳۷) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.

۳۸) سوره قصص، آیه ۳۲.

۳۹) سوره نمل، آیه ۱۷.

۴۰) سوره فیل، آیه ۵.

۴۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۴۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

۴۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸.

۴۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

۴۵) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۴۶) الغدیر، ج ۲، ص ۶۴.

۴۷) الغدیر، ج ۲،ص ۳۴.

۴۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸.

۴۹) امام الصادق علیه السلام والمذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۷۰.

۵۰) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

۵۱) سوره بقره، آیه ۴۵ و ۱۵۳.

۵۲) سوره غافر، آیه ۵۱.

۵۳) سوره مائده، آیه ۲.

۵۴) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۵۵) مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۱۲.

۵۶) ثواب الاعمال، ص ۱۷۷.

۵۷) الوافی، ج ۳،ص ۶۷۲.

۵۸) الوافی، ج ۲، ص ۶۴۸.

۵۹) جامع الرواه، ج ۲، ص ۲۴۷ - ۲۴۸.

۶۰) الکافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۶۱) ثواب الاعمال، ص ۲۲۱.

۶۲) کافی، ج ۵، ص ۵۵.

۶۳) الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۲۵۹.

۶۴) بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۶۵) نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۶۶.

۶۶) مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۸.

۶۷) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۳.

۶۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲.

۶۹) متن دعای امام علیه السلام در بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۴۲ آمده

است.

۷۰) بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۹ - ۳۸۱ و ج ۱۰۰، ص ۴۴۱ - ۴۴۳.

۷۱) بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۸.

۷۲) الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸.

۷۳) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۵۳.

۷۴) حضرت آیت اللّه العظمی حاج آقا حسن طباطبایی قمی ۷۵) جامع الدّرر، ۴۴۸.

۷۶) سوره یس، آیه ۲۰

۷۷) سوره قصص، آیه ۲۰.

۷۸) بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵.

۷۹) سوره بلد، آیات ۱۱ تا ۱۴.

۸۰) مرآه العقول، ج ۹، ص ۱۱۴.

۸۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۸۲) الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷.

۸۳) عدّه الدّاعی، ص ۱۲۳، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۰.

۸۴) مفاتیح الجنان، باب اوّل.

۸۵) مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۸۶) بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۳.

۸۷) حیاه الامام حسین بن علی علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۲۵.

۸۸) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۹.

۸۹) به دفتر اوّل میثاق منتظران مراجعه کنید.

۹۰) علل الشّرایع، ج ۱، ص ۲۲۹.

۹۱) جنهالمأوی حکایت ۹، النجم الثاقب حکایت ۸۳.

۹۲) سوره حاقّه، آیه ۴۴ – ۴۶.

۹۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۹۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳.

۹۵) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳.

۹۶) معجم الفروق اللغویه، ص ۲۰۱.

۹۷) سوره یس، آیه، ۲۰.

۹۸) سوره غافر، آیه ۲۸.

۹۹) مهیّج الاحزان، ص ۴۰۲.

۱۰۰) مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۱۰۱) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۳۲.

۱۰۲) سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱.

۱۰۳) سوره توبه، ۱۰۰.

۱۰۴) سوره حدید، آیه ۲۱.

۱۰۵) سوره بقره، آیه ۱۴۸، و مائده، آیه ۴۸.

۱۰۶) سوره حشر، آیه ۱۰.

۱۰۷) نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۹۷۸.

۱۰۸) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۱۰۹) بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۸.

۱۱۰) بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۸.

۱۱۱) امثال و حکم الامام الکاظم علیه السلام، ص ۴۱۰.

۱۱۲) بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۲۴ – ۱۳۹، (شوق لقاءاللّٰه

نگاه کنید).

۱۱۳) بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱.

۱۱۴) صحیفه سجّادیه، دعای اوّل.

۱۱۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۱۱۶) دایره المعارف الاسلامیه، ج ۱۳، ص ۴۹.

۱۱۷) حقایق التأویل، ۲۵۶.

۱۱۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸، دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۱۰۴ – ۱۰۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹